

# قیام ایران

زیر نظر شورای نویسندگان

ح. مشکان

## جنون آتش افروزی

شیراندازی بردا خسته اند. مردم بهمان برخاست که برود و چنان را برهساند. او را به ابراهیم رسانند و گفتند غصه مخور، اگر آن ها ترا کشتند ما ده مهجان از آن ها خواهیم کشت!

در کشورهایی که مستقیماً "درگیر جنگ" دوم شدند هنوز هم بعد از چهل سال گروهی از مصلولین جنگ باقی مانده اند.

بقیه در صفحه ۱۲

ریگان گفته بود در صورتی که ثابت شود سوریه و جمهوری اسلامی نیز در عملیات تروریستی مداخله دارند با آن ها همان می کنیم که تا لیبی کردیم. حجت الاسلام رفسنجانی پاسخ داده است در صورتی که آمریکا ما را بمباران نکند تازه آن وقت دست به کاری شویم و معنی تروریسم را بدو خواهم فهماند. یکی به دهی مهجان شده بود. همین که از راه رسیدونست مدای شیراندازی بلند شد و چند گلوله از کنار گوش او گذشت. وحشت زده پرسید چه خبر است، گفتند بیهوش ما و اهلای ده محاربه و ریک متازعه فدیه می وجود دارد. جنای بیش ما میماند. آن ها که برای آن ها رسیده بود کتیم. آن ها نیز قسم خورده اند تلافی کنند و چون شنیده اند برای ما مهجان آمده است به

## کنفرانس سران کشورهای صنعتی

که منجر به مرگ و زخمی شدن گروه کشوری شده است، افکار عمومی جهان تیان را متوجه خطرات بالقوه ای کرده است که نیروی اتم در خدمت تکنیک می تواند سبب آید. انفجار و آتش سوزی هسته مرکزی یکی از چهار مرکز اتمی جنوبیبل نه تنها در جنوبیبل و اطراف بنا به گزارش خبرگزاری رسمی تاس، دهها نفر را بر اثر تشعشعات رادیواکتیو زخمی و با کشته است، بلکه باعث از دنیا آمدن رادیواکتیو بیهوشه در فضای کشورهای آلمان، لهستان، فرانسه، سوئد، فنلاند و نروژ شده است. این واقعه و جسدان عمومی جهان تیان را به سختی آشفته کرده است، زیرا از پس این فاجعه معلوم شد که در انگلستان، آمریکا و فرانسه طی سال های اخیر، چندین بار آزمایش اتمی در دجا رسوا شده و با بیعت شدند که دولت های این کشورها به این بیعت که آن بیعت خطری برای سلامت مردم ندارد، از اعلام خبر خودداری کردند. تظلماتی که بعد از ظهر روز دوشنبه پنجم ماه مه از سوی کنفرانس سران صادر شده است، در موضوع تروریسم از دولت لیبی به عنوان دولتی پشتیبان تروریسم نام می برد و به عنوان محازات کشورهای لیبی که تروریست پرور است گرفته اند، تصمیم بر آن گرفته شد که از فروش و تحویل اسلحه به آن ها خودداری شود.

بقیه در صفحه ۳

## تغییر امواج

## رادیو ایران

امواج و فرکانس های فرستنده برنا سه دوم رادیو ایران از روز پنجشنبه چهارم اردیبهشت ۱۳۴۵ (بیست و چهارم آوریل ۱۹۸۶) تغییر کرده است. به ساعت های سخن برنا سه: رادیو ایران، صفحه (۴) مراجعه فرمایید.

هادی بهزاد

## مرگ و میراث تروریسم

بین المللی، حضور قوای رزمی بیگانه را به مقیاسی که امروز شاهدند، درکنار خود نمی نگرداند. مسئول چنین وضعی را کجا باید جست؟ آسان است. یک روز آدمکسان قذافی هواپیماهای و با شکاری را به آتش می کشند، شورش را به بیرون و بیرون می برسانند و راه را قطع می کنند و باغالی می کنند و روز دیگر حریف، به انتقام و با بیعتی می کشد، دفاع از جان و مال اتباع خود، آب و آسمان مدیترانه را ترقی می کند و چشم بر هم زدنی خاک طرف را به سبب و توب و خمپاره و راکت می بندد و دلیل هم می آورد، بی گریه: تا آنجا که توانستم هشدار دادم، دلالت کردم، گوش شنوایی نیافتیم، تا حارس دست به کار شدند، و از این پس نیز دست روی دست نخواهم گذاشت.

در آن طرف - یک روز شیخ تنگ بدست، در تانکر نماز جمعه ادرمی می کشد و با وادی می با فدوت و تحویل اسیران "نماز گزار" می دهد که: (تنگه هر مزارا اگر چنان و چنین سود، خواهیم بست) و فردای آن روز ده ها نا و جنگی فرانسوی و انگلیسی و امریکایی به عنوان محافظ از سفای بازرگانی و نفتکش، خلیج فارس و دریای عمان را قطع می کنند، و آب از آب تکان نمی خورد، که به بیعت نشان چندان نامعقول نیست (راه دریای من نیست - بی امنیتی را خودما تضمین می کنیم).

بقیه در صفحه ۲

## گروه مازنیار

## به نهضت مقاومت ملی ایران پیوست

اعلامیه گروه مازنیار، دائر بر پیوستن به نهضت مقاومت ملی ایران، در آخرین لحظاتی که صفحات "قیام ایران" بسته می شد بدست ما رسید. مشروح این اعلامیه و پیشینه مبارزات ملی گروه مازنیار در شماره آینده طبع و نشر خواهد شد.

نواد روحانی

## جنگ داخلی

## اویک

در بیان اول گذشته (۱۹۸۵) با آن که در خلاف قضاوت ما ظران، وضع بسیار زار بین المللی نفت، نه مرده و نه در شرف مردن بود و اویک به اشکالات مهمی در تعقیب سیاست کنترل تولید و قیمتت برخوردار بود که در داخل سا زمان ایجاد نشت کرده و حتی ممکن بود موجودیتت سا زمان را به خطر اندازد. اما در نتیجه مذاکراتی که در کنفرانس دسامبر ۸۵ صورت گرفت و ما موریتی که به کمیته پنج نفری مطالعه وضع با زار داده شد، صورتی رفت که زمینهای برای رفع اشکالات در سال ۱۹۸۶ فراهم خواهد شد. اکنون که چهار ماه از سال ۱۹۸۶ می گذرد تغییر محسوس در وضع پیدا نشده و اشکالات اویک همچنان باقی است. در ماه ژانویه قیمت نفت دریای شمال از ۲۴/۵ دلار به سطح بنگه ای ۱۷ دلار سقوط کرد. تولیدکنندگان آن منطقه (انگلیستان و نروژ) حاضر نشده با اویک همکاری کنند، یعنی با محدود کردن میزان تولیدشان قیمت را بالا ببرند و یا با اقل از سقف بیشتر از جلوگیری کنند. خانم تا جز در برابری بیست و نه همکار از جانب اویک اظهار کرد: مسئله برای ما مهم نیست چون نفت فقط ۸ درصد صادرات انگلستان را تشکیل می دهد و در آن سال از ۵ تا ۶ درصد درآمد ملی تجا و زنی کند. بقیه در صفحه ۴

گزارشی از تهران

## بیامدهای مرگ آیت الله شریعتمداری

دست کم قابل توجه است. با بداین نکته را هم متوجه بود که زخم ناشی از بی حرمتی به یکی از مراجع مذهبی همراه با اجرائات های انباشته شده طی دوران حکومت خمینی بزودی سرباز خواهد کرد و در آن هنگام می توان عمق این زخم ها را سنجید، برای آنکه به میزان آشنایی که رژیم عمال می کند و ترسی که از انتشار اخبار رادیو بی بی سی کافیت تا این نکته را بدانشم که جز دویا دادا شت مختصر خبری در روزنامه های کبیرا تقریباً هیچ یک از نشریات حکومت اجازه نیافتند این خبر را انعکاس بدهند. با این همه روزنامه های و شفا می و "دهن به دهن" مردم وقایع مربوط به مرگ آیت الله شریعتمداری را به سرعت برق و با دادرشرا نشمار می دهد.

بقیه در صفحه ۱۰

انتظار جهانیان برای آن که مرگ مظلوما نهی آیت الله سید کاظم شریعتمداری در روز ۱۴ فروردین ماه بلافاصله تبدیل به یک اعتراض جمعی در ایران گردد و در واقع بیعتی بوده است، گمانی که خارج از ایران زندگی میکنند به ایضا داخترتاق میز و وحشی که حکومت خمینی توانسته در دل بگایک ایران تیان بدیبا کند و اقیف نیستند. خمینی برای بن فضایی وحشت و فشا و موقعیت جنگی را نیز افزوده است تا به کمک آن بتواند هر مدای مخالف را در نقطه خدا سازد.

هر چند ایرانیان و به ویژه پیروان آیت الله به شیوهی خود نسبت به این مرگ مشکوک و مظلومانه واکنش نشان دادند، اما اتفاقاتی که افتاده، بسا توجه به فشاری که مردم از حکومت خمینی تحمل میکنند، اگر غارق العاده نباشد

## دیکتاتورهای

## سیاه مست و رسوا

بخت از دیکتاتورهای فرو افتاده سالیهای اخیر برگشته است. از آن ها چون جدامیها فراری می کنند. بی آبرو و مشغول غلب تنها می مانند. برای به دست آوردن یک کشور بی نگاه به دربردی می افتند، هیچ کس آن ها را نمی خواهد، در حالی که بیش از این دیکتاتورهای فراری برای خودشان مقام موقعتی دارند، در این سالها، مارکوس در خطر توقیف اموال است، دووالید از ۱۲ کشور برای ورود به خاک آن ها جواب رد شنیده است، بوکا سا از تبعیت فرانسویش محروم شد... اما سال تا پیش از این، ملک فاروق را افسران جوان تا سیونا لیست مصر به فرما ندهی عبدالناصر در اسکندریه بدرقه می کردند، با احتیاط تمام عیار. فاروق در برابر صفا افسران انقلابی که او را از پادشاهی خلع کرده بودند، سوار کشتی مجلل خود شده و اتفاق افراد خانواده و همراهان، چندان های مملو از پول نقد، جواهرات و آثار قیمتی را به کشتی منتقل کرد. انور السادات که در آن زمان ستوان جوانی بود، می خواست کشتی را غرق کند، اما عبدالناصر گفت: "بهتر است برود".

بقیه در صفحه ۳

# مرگ و میراث تروریسم

نصفه از صفحه ۱

بودند که: " اقدام امریکانه فسطرد سرکوب تروریسم اشرافنداری به جسی نخا اهدگذاشت، بلکه با بیرون آمدن هم آهنگی در صفوف غرب به خرابکاران جرات خواهد داد تا از موضع مطمئن تری، عملیات خود را دنبال کنند. " - ولی این تصور

نیز رونقی نگرفت و بکس شواهدی به دست آمد که قاطعیت امریکائی همدار تصمیم گیری آهسته آهسته اروپائیسان را از موضع تردید بیرون خواهد کشید. روزنامه واشنگتن پست می نویسد: " جرج شولتز - در خلوتی گفته است که اروپای غربی سرانجام در جنگ بر ضد تروریسم به سنگر امریکا خواهد پیوست. " و چند روز بعد، ریگان در همان اجتماع روزنامه نگاران، وجود چنین گرایش را با این زبان تأیید می کند: " با وجود این که هم پیمانان اروپائی بدانگونه که ما مایل بودیم، به اقدام موثری بر ضد تروریسم برخاستند، ولی با زتاب های اخیر آن ها، مرابیش از پیش راضی می کند. " دو خبرنگار برجسته امریکائی ( رولاند اوانس و رابرت واک) همراه با نقل نظر خوش بینانه وزیر امور خارجه ایالات متحده " شولتز " و همچنان با استفاده از قول او، نیاز اروپائیان را به جلب حمایت امریکا در نبرد با تروریسم، بدینگونه تحلیل می کنند:

" نیاز اروپائیان به خصوص از آنجا سرچشمه می گیرد که بنا بر شواهد روشنی جمهوری اسلامی، در ایام قیام الهاده وسیع به خلق یک شبکه تروریستی در سراسر اروپای غربی دست زده است که کانون اصلی آن آلمان غربی است. " اوانس و واک، در مقاله مشترک خود پس از شرح دلایلی که رژیم اسلامی را به انتخاب آلمان برانگیخته است، اضافه می کنند:

" قذافی که با عملیات اخیر امریکا، به شدت گرفتار رنگینا و محدودیت عمل شده در مدبر آمده است، امکانات خود را با ذخائر خمینی، یعنی انبوه نوجوانان و جوانان متعصب و مغز شوشی شده جهت و چور کنند و از این رو است که ما موران امنیتی و کارشناسان ضد تروریسم وزارت امور خارجه ای امریکا پیش بینی می کنند که در آینده ای نه چندان دور، آلمان فدرال در درجه اول و سایر کشورهای آزاد اروپا در مراحل بعد، باید در رشته عملیات گسترده ای آمکنی و ویرانگری مواجه خواهند بود. همین خود سببی است که این کشورها، بیش از پیش به جلب حمایت امریکا در تلاش های ضد تروریستی رغبت نشان دهند. "

جالب توجه است که به رغم جامعه در انسی ملاحظاتی حاکم، در اکثریت قریب به اتفاق جامعه عرب نیز، حمایت از لیبی، جز در صورت های تشریفاتی جلوه ای نداشت و بنا بر شواهدی اقدام امریکادر اغلب سرزمین های عربی حتی با خریدن زایدالبوقی مواجه شد. آنچه که قذافی نیز با همه سبکسری این واقعیت تلخ را هم کرد که از چاد و تونس و مراکش و مصر و عراق و اردن و امارات متحده و کویت و بحرین و عربستان سعودی و ... که هر کدام بنحوی میوه جنون وی را چشیده اند انتظار همگامی و " اخوت عربی " مسخره است.

بر روی هم - به خلاف پاره ای بیش داورهای عجولانه و بدبینانه و گاه آمیخته به وحشت، باید پذیرفت که تروریسم به سه بن بست رسیده است و از این پس ناگزیر با پذیرفتن دستاورد تجربیه کند.

- ما جرات آنجا که به قذافی به ساز می گردد، ظاهراً در یافتن است، حکایت جدی تر از آن است که تا کنون بنده شده است. از قله های الالدرم فرود آمدن و " به مذاکرات مستقیم با امریکای امپریالیست و تروریست شائقی بودن " اگر نه دلیل بیداری، دست کم نشانه ای شروع بیداری است.

- تا آنجا که به حافظ ادمربوط است، لابد، پذیرفته است آواری که بر سر قذافی فرود آمد، سوشل ابر قدرت طرفدار اوست که بارها گفته است، هر خبری را باید به وضوحیت پاسخ گفت.

- میماند ضلع سوم ولایت هفت جنبش امام، که با پدید آمدن کی از خواب بیدار خواهد شد و خواه همدیکه این چشمه ی تظا هروا بر ارحیات نیز کور شده است؟

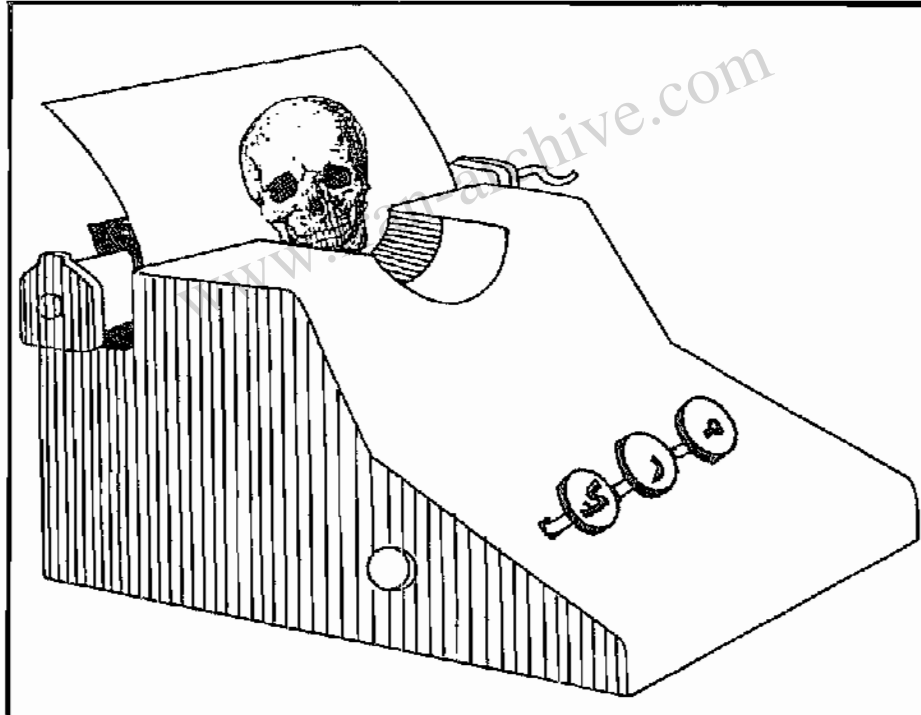
( رهبر در روزی ها و حزب سوسیالیست مترقی لبنان ) و شبیه بری، رهبر جنبش شیعیان ( امل ) - مبنی بر محکومیت کشتار سه گرگان امریکائی و انگلیسی در بیروت، از نظر مطلقاً حرکتی تلقی شد که اگر به اثره استنبه نبوده باشد، سلما " با موافقت قبلی او بوده است و در صورت این خود شواهدی است بر تلاش تازه سوریه، بلکه در این حین ویسی از با رستگین آنها مات تروریستی خود بگردد.

جنبلاط که در این حال در کا بینه لبنان عضویت دارد در ارتباط با کشتار بیرجانه گرگان ها می گوید: " عاملان این سوء قصد مزدوران هستند که بخاطر جنگی دلار دست به هر کاری می زنند. این اقدامات میازات ملی اعراب را لکه دار می سازد. "

نسیه بری نیز در پی خروج ۲۸ تن از خارجیان، از بخش مسلمان نشین بیروت و انتقال به بخش مسیحی نشین شهر، در یکی از شدیدترین حملات خود به " عاملان " سوء قندهای شرم و بیروت متذکر میشود که باید به ترتیب از انتقال خارجیان به منطقه مسیحیان مانع شویم و اضافه می کند که بخش مسلمان نشین شهر در مقابل بخش آبادان و بیطرفی مسیحیان، عملاً به جنگل و جوی تبدیل شده است. سخنان تند و بی باقی این دو تن که آشکارا خطاب به جوش حزب الهی و

ایالات متحده در ادامه تدابیر تلافی جویانه بر ضد تروریسم، همچنان با برجا است. ریگان در سخنرانی خود " تروریسم دولتی " را به نوعی جنگ تعبیر کرد و نتیجه گرفت که در قبال چنین جنگی نمی توان دست روی دست گذاشت و به دیگری اجازت داد تا جنگ را اعلان کند و در عین حال از صلح بماند. و در پاسخ به این سؤال که " آیا ایالات متحده در صورت لزوم به اقدام مشابهی بر ضد جمهوری اسلامی وسوریه نیز دست خواهد زد؟ " به صراحت گفت:

" اگر مدارک کافی و قابل استناد، از آن گونه که در مورد لیبی به دست آمد، در اختیار ما قرار گیرد - آری! " و اضافه کرد " ما در مقابل نه تنها تروریسم دولتی، الزاماً از همسان روشی که در لیبی به کار آمد، باز هم استفاده خواهیم کرد. " ریگان با تأکید بر ضرورت پاسداری از آزادی های سیاسی و اقتصادی دوباره یادآوری کرد که " اگر قذافی به ما جراتی های خود را ندهد، مسلم بدانند که ایالات متحده از حملات مسدد به لیبی خودداری نخواهد کرد. " مفسرین امریکائی سخنان رئیس جمهوری را خاصه در آستانه سفر به ژاپن و ملاقات با سران سائیکورهای صنعتی، متضمن امر بر نشر دو معنا یافته اند.



طبیعی است که رقیب نیز آرام نمی گیرد تحمل نمی کند که " می خورد حریفان و او نظاره " کند پس او هم برای حضور خود، دلیل کافی و قانع کننده در آستین دارد، رومی کند و به راه می افتد و بدینگونه است که به لیبیان بنبه های " نه شرقی، نه غربی " و دشمنان سوگند خورده امپریالیسم و صهیونیسم و قهرمانان " انقلاب جهان سوم " راه را برای غول های " شرق و غرب " آب و جوی رومی کنند. و اما نکته این است که در این غوغای دنیا گری تروریسم و ضد تروریسم که مخصوصاً در ماه های جاری تمام حوادث بین المللی را و این زده و داغ ترین خیره ها و حادثه ترین مباحث سازمان ملل متحد و حتی مراجع نامرتبطی نظیر او یک رابه انحصار خود کشیده، ظاهراً مهلتی باقی نمانده است تا نکار عمومی بر سر او جنبی و آن حنائی مسئله که به مراتب از نفس تروریسم و معرکه های داغ روز وخیم تر است تا ملی کنند.

و اذیت تلخ این است که اتحاد نامتدین سه ما جراتجوی حرفه ای هر کدام به سهمی وزیر اعظمی و شکاری ( از ادعای جنگ با سیاطین جهانخواه رتاجهاد در راه آزادی قدس - از آفسانه ای نه شرقی و نه غربی تا قصدی انهدام اسرائیل و صهیونیسم ) با یک دست خون مردم بی گناه را می ریزند و با دست دیگر نوبه نو برای خورن شیر و هائی حریفان شرقی و غربی بیانه می تراشد تا آنچه را که می خواستند گذرانده سازد بیخ و خم تحمیل کنند، خالیه بیانه می " دناغ از خود " توجیه کنند که دستشان بر وجنتان هم قوی است: - جان و مال اتباع با در خطر است از معامله ای به مثل " و احتیاط ناگزیریم. - عبور و مرور در دریا های آزاد حق هر دولتی است اما از آنجا که راهداران را هزنده، پس راهداری را نیز خود به عهده میگیریم.

- بی درنگ نتیجه بگیریم که با این وصف: در این بازی بر جنجال " تروریسم " نیز انگشت " از ما بهتران " در کار است، چنانکه وقتی گفتند و شنیدیم، غاثلگه گرگان کثیری در سفارت امریکائی و انفجارهای بیروت و حتی شکست برنامی آزاد سازی گرگان به درطیس، زیر سر خود امریکائی ها بود. نه! قدمها نقل مکرر و ملال آور این خیالات و اوها م عامیانه نیست. تروریسم به یک عارضی جهانی تبدیل شده و رفتدرفته سده تحمل را نگهسته است. حال اگر رندان حساب کرده اند که از گوهی این نمذیبوناک و دورا نداختی می توان کلامی هم دوخت چرانندوزند؟ تروریسم را امریکائی به راه راه نیتداخت تا حضور نظامی خود را بهانه سازد، این نابینائی تروریسم است که هزار علت و عارضه می تراشد و یکی از آن هزار، همین درگشائی به روی قدرت ها است. یک انسان بهنجار و متخالف به خاطر دستیابی به میراث پدر، مرگ پدر را از زومنی کند ولی اگر پدر مرد، میراثش را دور زمی اندازد. بهرحال، میباران ۱۴ آوریل گرابلس وین غازی مسلم داشت که فعل مجامله تمام شده است.

نخستین ارزیابی ها از نتایج عملیات رزمی در لیبی ( علی رغم پیسارهای با زتاب های نامسا عد در اروپای غربی ) آشکارا زتاب خاطر نه فقط دولتمردان دست اندر کار که حتی گروه های ناخوش بین و مرده امریکائی را برانگیخته است.

دروا شنگتن بر این نظر تاکید می شود که قذافی، همانگونه که انتظار می رفت، پیام باطنی ( کاخ سفید ) را هضم کرده و پذیرفته است که مقابله با تروریسم از مرز " معامات و محکومیت های روی کاسه " در گذشته است. نزدیکان کاخ سفید به اتفاق معتقدند لحن قاطع ریگان در اجتماع ۲۲ آوریل روزنامه نگاران و ساعتی قبل از آن خطاب به نمایندگان " اتاق تجارت " حاصل پیامی بود به حریفان و دوستان مرده و بیش از پیش به تروریست ها که دولست

نخست این که به هم بیامانان ایالات متحده برسانند که دولست وی با قاطعیت و حتی به تنهایی مصمم است در جنگ با تروریسم، " عمل " را جایگزین " مجامله " کند که به گفته میهمان و " تا کنون فراوان تجربه شده و همواره بی ثمرانه است. " دوم این که، به حاکمان دمشق و تهران حالی کند، آنچه در تریبولی و بن غازی رخ داد که " آزموون و نمونه گیری " محض نبود. دولست ایالات متحده به اعتبار و به بهانه آنچه حق مشروع خود در دفاع از اتباع امریکائی " میخوانند از این پس در هر نقطه و در هر مورد مشابهی بی هیچ تأمل، به عملیات مشابه دست خواهد زد. تا به بود که گوید " اتحاد شوروی به ایالات متحده هشدار داده است که اگر حمله به لیبی را تحمل می کند، نباید تصور رود که حمله به سوریه را نیز تحمل خواهد کرد. " دلایل دیگری نیز در میان است که اگر چه اسد از همدا نشی و تجدید قول دوستی و همگامی با قذافی در بیخ نکرده و لیبی عکس العمل پرشتا بدو تن از رهبران سیاسی نیرومند لبنان، یعنی جنبلاط



# دیکتاتورهای سیاه مست و رسوا

بقیه از صفحه ۱

چمدان های فا روق را گمرک هیچ کشوری با زدن نکرد و تا با این عمر در کاخ ها و هتل های مجلل و عشرتکده ها بدون هراس از تروریست و ناگرا نسی از مصادره اموال زندگی شادکام نه ای را به پایان رسانید.

شیخ شخیوط حکمران ابوظبی، بسا صندوق های شمش طلا و سوار بر هوا بیمای اختصای، در حالی که یک ایکا در آن هوا بیمای انگلیسی اسکورس می کردند در لندن نشست... هیچ ما مورگمرکی به صندوق های متددش کار نمی نداشت و او در مرحله عیان نشین شدن بسا شاه فردی، با دستا دیکتاتور بیوگاندا همسایه شد.

امیر شورفردی بوگاندا، چگون شورشیان کاخ را آتش زدند سوار بر هوا بیمای اخترا مات کا مکل در فرودگاه لندن بر زمین نشست. فسرده صبح با یک ناشر انگلیسی برای طبع و نشر خاطراتش قرارداد بست و با پول هنگفتی که بدست آورد، زندگی مجللی فراهم آورد.

با تیسنا، دیکتا تورکوبا هم پس از سقوط، بدون آن که ناچار از آوارگی باشد مستقیم به مادرید رفت. چند چمدان داشت که ۳۰۰ میلیون دلار پول نقد در آن ها جای داده بود.

ژنرال کووون، دیکتا تورنیجریه پس از سقوط به دانشگاه استون رفت تا به تحصیل ادامه دهد. دانشجویی میلیاردر که همزمان با ادامه تحصیل، دخترهای جوان را به کاخ خود می برد و با جرای عیاشی هایش همه جا با زنگ می شود.

و بالاخره، سوموزا، که همزمان با انقلاب اسلامی ایران، با شورش ساندینیست ها از قدرت ساقط شد، بسا اخترا مات به میامی آمریکا وارد شد. او، در روزهای بحران، جیمی کارتر را "احق ویسی غیرت" می خواند، نگهبانانش بیل استیوارت و روزنامه نگار شیکه تلوویزیون آمریکایی ای.بی.سی. را کشتند و با این همه سوار بر هوا بیمای شخصی و همرا ه با چمدان جواهرات، پول نقد و تابلوهای نفیس در میامی بر زمین نشست. بعدها در آمریکا گفت: "هشتمد میلیون دلار پول نقدی که بسا خود آورده ام، پولی است بیسرای موقعیت های غیرمنتظره..."

بخشی از این پول ها را سوموزا از فروش خون هموطنانش بدست آورده است. خون مردم نیکاراکوئه را به کوردوبا - واحد پول نیکاراکوئه - می خرید و به دلار به آمریکا می فرود. معامله ای که هزار ردمدودخالص داشت. او به علت همین معاملات خون به "وامپیسر" ملقب شده بود.

اما امروز دیگر دیکتاتورهای فروافتاده، مثل طاعون زده ها شده اند. پس از سقوط کسی آن ها را نمی خواهد. دووا لیس، دیکتا تورهای کیتی را دوازده کشور قبول نکرده اند. فرانسه با همه کوششی که به کار برده است تا فرمانده تون تون ماکوت های آدمخوار را به کشتوری بقبولاند موفق نشده است و دیکتا تور روی دست خودش مانده است. حالا، او می خواهد در دانشگاه نیس دیپلم متوسطه بگیرد.

ما رگوس اگرچه به پشتیبانی ریکان در دهه های مستقر شده است، اما بر آینده اش بیمناک است. دولت جدید فیلیپین مدعی ده میلیار د دلار است که ما رگوس با خود آورده است و با پیش از آن در بانک های خارجی گذاشته است. هم اکنون ۲۲ چمدانی که به همسراه داشت در گمرک توقیف شده است. ایبلدا همسرش که به پروانسه فولادین ملقب بود، گریبان است، اگر ریکان از آن ها حمایت نکند و دادگاه های آمریکایی به ضرر ما رگوس رای دهد، آکینویول ها را خواهد گرفت.

دیکتا تورهای فراری - چه آن ها که به آسانی در کشوری پناه نهند شدند و چه آن ها که در پناه مانده اند زندگی کسالت با روغمانگیزی دارند. بیکاری آن ها را نا بودمی کند. سوموزا، چون امین دادا و یابوکا بسا الکل و شهوت رانی پناه برده اند، سوموزا

همیشه سیاه مست است و به دنبال دختران جوان می افتد. او که معشوقه زیبایش دینورا را همراه آورده بود مدتی است که به یک دختر ۲۵ ساله به نام ماری آنژا دل داده است. این عشق رسوائی ها بسا آورده است زیرا ماری آنژا دختر ژنرال رودریگز، نظامی متنفذ ارتش پاراکوئه است و از آنجا که پرسوموزا نیز دلبا خته همین دختر شده است، کار رسوائی شان به مطبوعات کشیده است.

امین دادا که در طرابلس فرود آمد روزی ۲ بطرویکی می نوشید. بعدها به علت اقامت در عربستان سعودی دچار محظورات شد و به بحرین رفت. بهرحال، اوقات بیکاری را به میخوارگی و تلفن به دوستان (هنوز دوستانی هم دارد؟) و شنا و شهوت رانی می گذراند.

ایزابیلیتا پرون که او نیز در ما در پند برمی برد، روزها را با خرید در نمازها به شب می رسد و با جرای عشق های بی پروایش خوراک روزنامه های جنجالی است.

کاگوکوی نخست وزیر ویتنام جنوبی که در لاس وگاس برمی برد علاوه بر آن که صدها میلیون دلار را که با خود آورده بود در قمارخانه ها باخت، امروز ۶۰۰ هزار دلار مقروض است. ولی وان شیو، رئیس جمهوری ویتنام وقتی به سوئیس وارد می شد ۳ تن طلا بار سوئیس آورده بود و کسی مزاحم طلاهایش نشده بود.

دیکتا تورهای فراری، عرقه در فساد و عیاشی و میخوارگی، گاهی بسه یاد روزهای خوش خود کا مکی هم می افتند. این چنین است که امین دادا، گناه بی گاه می گوید: "مردم و گانگنا از من استغاث می کنند که به بسا قدرت برگردم. اگر پول کافی برای خرید سلحه به من بدهید، در عرض چند روز حکومت سرخ اوگاندا را سرنگون خواهم کرد..."

شاید فراموش می کند که خود وی در سال ۱۹۸۲ در کتا با طراتش مراحتا برخی از مخالفانش را به نام ونشان ذکر کرده است که پس از کشتن شان، خونشان را خورده است.

لهکای اول، پسر پادشاه با قسط شده آلبانی در تبعیدگاهش در اسپانیا، گروهی چند نفری را به دور خود جمع کرده است و به آن ها تعلیمات نظامی می دهد. او می خواهد با این گروه آلبانی را آزاد کند. وی همین چندی پیش در پاریس طی اعلامیه ای نوشت: "همه تا سبونا لیست های آلبانی متحد شوید."

معشوقه سوموزا در میامی، هر بار که برای خرید به منازده می رود، مدیسان منازده را می بندند. زیرا دنیورای زیبا، هر بار میان ۸ تا ۴۰ هزار دلار خرید می کند. پس از خرید دنیورا، مدیر منازده باید به سرعت فکری به حال تفسه های خالی کند و سفارش بدهد. با این حال سوموزا علی رغم میخوارگی و عشق پازی ها، گاهی به فکر "نجات وطن" می افتد، اما در این مورد، از صدوریک اعلامیه وی ما حباه ای با روزنامه های کم اهمیت فرانسوی رود. در یکی از مباحثه ها برای جلب افکار عمومی آمریکا نیان گفت: "سرخ را با یازده زنیکاراکوئه بیرون کرد. آن ها چنان وحشی اند که من هنگام ترک کشور اجساد دومیایی شده پدر و برادرم را نیز با خود به میامی آوردم. هر کاری از دست این حیوانات سرخ برمی آید."

آنچه پس از سقوط دیکتا تورها نشان می شود جای تردیداتی نمی گذارد، که انسان دشمن قسورده ملت های پیشان هستند. بر سر قدرت، هموطنانشان را به زندان می کشند، شکنجه می دهند، می کشتند و در همان حال با حرس و آزی سیری تا بدیرا زبیت المال می دزدند و از کشور خارج می کنند. رفتار آنان بسا مردم و با شروت ملل رفتار تھی است که برکشور ملتی دشمن پیرو زده است. تعادفی نیست که همه خوردگان کما بیش به یکدیگر شباهت دارند. شباهت آن ها فقط در جاپول و شکنجه و قتل نیست، در عاری بودن از همه فضا ثل و صفات انسانی نیست.

# شهر ارواح

روزنامه "تایمز" چاپ لندن، در گزارشی از ایران می نویسد: در ایران، جنگ واقعی هرگز چندان از شما دور نیست. همه جا با آن روبه روید. میان زخمیان، در قطارهای ارتشی، میان مفسوف متولان جنگ در نمازهای جمعه تهران، در فیلم های مستند هولناک تلویزیون، در تصویب بیگانه های زخمی با بی سر، که شما را به مرگ و شهادت می خوانند و در کورستان بهشت زهرا در حومه تهران که در آن، فواره ای ست که مایعی سرخ رنگ را به احترام مدها هزارگشته، در هوا می افشانند.

"تایمز" می نویسد: در ایران، اقلیت کوچکی با ادامه جنگ موافقت و اکثریت بزرگی، با آن، مخالف. موافقان جنگ می گویند که ایما ن و اسلام و فتنه دت و اینا ر که در تعالیم تشیع، نقش بس مہمی دارند، جنگ را به راستی معنوی تبدیل کرده است، اما مخالفان، این سخنان را بیوج ویا وه می خوانند.

"تایمز" در ادامه می نویسد: نیرد جدی را میزنویسی شدگان پیش می برند، چرا که اینانند که آماده مرگ اند. در این میان، ارتش چه می کند؟ به عقیده پاسداران، ارتش، سخت تا منظم و در برابر امانه جنگ، بی تفاوت است. در مقابل، ارتشیان می گویند بسا در ان، منشی متعصب آموزش نایافته اند که وقتی گل ولای منطقه "فاو" خشک شد، عراقی ها با آتش تانک های خود، آن ها را کشتار خواهند کرد.

"تایمز" می نویسد: این جنگ خونین را پایانی نیست. آیت الله خمینی به ایرانیان گفته است که خود را بسرای جنگی که ده ها سال به طول خواهد انجامید، آماده سازند. در واقع، اگر قرار است جنگ ده سال دیگر به طول انجامد، باید برای آن آماده شود برای آن چنین آماده می شوند: در نمازهای جمعه تهران، نزدیک تریبون امام جمعه، جایگاه ویژه ای برای بچه های ده یازده ساله ای که دوسه سال دیگر باید به جنگ بروند تعبیه شده است. این کودکان با ناآرامی در جای شان می لولند، خنده و شوخی می کنند و به هنگام سخنرانی امام جمعه در باره نوظنه های غرب علیه جمهوری اسلامی، خمیا زده می کنند. بر پیشانی شان، پیشانی بند ترمز رنگی بسته شده است که نوشته روی آن، با بدشوق

## کنفرانس سران کشورهای صنعتی

بقیه از صفحه ۱

به ویژه لیبی، بیش بینی شده است که از آنجمله است: تقلیل دیپلماتها و اعضاء کنسولگری این کشورها، کنترل جا بجایی این دیپلماتها و در صورت لازم حذف و تعطیل این نمایندگی های سیاسی.

منع ورود همه کسانی که به عنوان مظنون و متهم به شرکت در عملیات تروریستی از یکی از کشورهای هفتگانه (آمریکا، فرانسه، بریتانیا، آلمان، آلمان، ژاپن و کانادا) اخراج شده اند به کشورهای دیگر، و بالاخره نظارت دقیق و همگانه بر همه جران و تروریستها و برقراری قوا عدومقررات تازه ای که حتی المقدور ورود اتباع کشورهای مظنون را به کشورهای هفتگانه صنعتی محدود تر کند.

در موضوع وضع مقررات بین المللی در باره مراکز اتمی غیر جنگی، برزیدنت ریکان به کنفرانس پیشنهاد کرد، تسابوسی ساخته جرنوبیل در دستور جلسسه قرار گیرد. حدس زده می شود که همزمان با طرح این بحث، مقررات وضوابطی پیشنهاد خواهد شد تا احتمال خطرات ناشی از جدوت قا بیعات در مراکز اتمی غیر جنگی به حداقل کاهش یابد، زیرا اگر چنین اقداماتی از سوی همه کشورهای صاحب راکتورهای اتمی هر چه زودتر انجام شود، با تکرار وقایعی فاجعه باره صل موضوع استفاده از این مراکز زیر سوال قرار خواهد گرفت.

توضیح: در شماره آینده، مقاله ای میبوی در باره کنفرانس سران (توکيو، مه ۱۹۸۶) نوشته آقای احمد میرفندرسکی، به چاپ خواهد رسید.

جزاین، در طرح نهایی قطعنامه، موارد گوناگون دیگری نیز برای مراضه و مقابله با کشورهای تروریست پرور،

## پیام نهضت

نهضت مقاومت ملی ایران شاخه هند ما هنامای به نام "پیام نهضت" به زبان فارسی، برای ایرانیان عظیم هند منتشر می کند. در شماره ۸ "پیام نهضت" این مطالب به چشم میخورد: خاموشی های تهران، مقاله ای در باره نشان شیروخورشید، نکته ها و گفته ها، در باره سخنان سردمداران رژیم اسلامی، مقاله ای از حسین ملک با عنوان: "اشکال ممکن رژیمها و ایدئولوژی های سیاسی" و اخبار نهضت در هند.

در شماره ۹ "پیام نهضت" به ایمن مطالب برمی خوریم: مجاهدین در مقابل اقلیت، که مربوط است به برخورد مسلحانه در میان اعضاء سطح بالای گروه اقلیت، که متوجه کشته شدن ۵ نفر گردید. در این ماجرا که در بیمن ماه گذشته رخ داد، گروهی از اقلیت طرفدار سازمان مجاهدین خلق با دیگر اعضاء گروه اقلیت مخالف مجاهدین، درگیر شدند و کار به تیراندازی کشید که ۵ کشته و عده زیادی مجروح بجای گذاشت. مطالب دیگر شماره ۹ "پیام نهضت" عبارتند از: پروژه های چپ در ایران، تغییر نظام آموزشی در کشور، دنباله مطالب اشکال ممکن رژیمها و ایدئولوژی های سیاسی و اخبار نهضت در هند.



# جنگ داخلی اوپک

بقیه از صفحه ۱

ضمناً " زکی یمانی نیز از طرف عربستان سعودی و کویت و قطر اظهار کرد که ما دام که کشورهای غیرعضو اوپک تولیدشان را تقلیل ندهند، اقدام کشورها ی عضو اوپک به محدود نمودن میزان تولیدشان ( که بعضی از آنها آن را لازم می دانستند) بی شریک مضر خواهد بود. از چند روز قبل این مسئله در داخل سازمان اوپک دودستگی به وجود آورده بود. یک دسته ( ایران ، لیبی ، الجزایر ) مصر را خواستار تقلیل میزان تولید سوده و هستند به حدی که ( مخصوصاً " ایران ) پیشنها می کنند که کشورهای اوپک مدت دو هفته با یک ماه به کلی تولید را موقوف کنند و بعد از آن نیز سطح تولید را در حدود روزی ۱۴ میلیون بشکه نگاه دارند تا به این وسیله بتوانند قیمت را به سطح بشکه ای ۲۸ دلار برگردانند. در حالی که دسته دیگر بر هر سه عربستان سعودی ، کویت و قطر اصرار دارد که موقعیت کشورهای عضو اوپک در حفظ سهم سازمان در بازارها ی جهان مستلزم رقابت با تولید کنندگان غیرعضو اوپک است و لذا این رقابت باعث تنزل قیمت شود. این دسته بر این نکته تکیه می کنند که سهم اوپک از ۶ درصد به ۲۵ درصد مصرف جهانی نفت تنزل کرده و هدف اوپک باید در مقام اول با یافتن سهم قبلی باشد. بدین ترتیب که روش ازدیاد تولید و عرضه طرفدار سهم دیگری نیز داشته و در آن صورت مصرف کننده بطور عموم است. بعضی کارشناسان اقتصاد و سیاست سعی می کنند مصرف کنندگان را به این نکته متوجه کنند که اگر آن نفت یک نتیجه اش عدم توانایی کشورهای مقروض به پرداخت دینشان به بانکها خواهد بود. مثلاً " چارکس و امریکای لاتین ( مکزیک ، ونزوئلا ، برزیل ، آرژانتین ) جمعاً ۲۸۵ میلیارد دلار به بانکها مقروضند. در آسیای جنوبی نیز چارکس و مقروض وجود دارند. یعنی اندونزی ، مالزی ، فیلیپین و تایلند که همه این کشورها امروز حتی برای پرداخت بهره قرض خود دچار مشکل هستند و این وضع ممکن است منجر به یک بحران بانکی و مالی بین المللی شود.

## سیاست عربستان

در ماه فوریه قیمت نفت دریای شمال به بشکه ای ۱۶ دلار تنزل کرد و هیچ نشانه ای از کاهش تولید دیده نمی شد. در حقیقت عرضه در حدود ۴۰ درصد تقاضای فزونی داشت. در این وضع گروه اعضای معترض در سازمان اوپک عربستان را سرزنش می کردند که میزان تولیدش را از روزی ۲/۵ میلیون بشکه در تابستان گذشته به روزی ۵/۵ میلیون افزایش داده و به این ترتیب باعث شکست فاحش قیمت نفت شده است. اما عربستان در جواب بی گفت با بدین قیمت سهم خود را در بازار جهان در برابر رقابت تولید کنندگان غیرعضو اوپک حفظ کند. طی همین ماه کمیته پنج نفری نیز توصیه نمود که اوپک باید سهم خود را در بازار از سطح فعلی یعنی روزی ۱۶ میلیون بشکه به ۱۸ میلیون ترقی دهد. معنی این نظریه البته اینست که هر قدر تولید کنندگان غیرعضو اوپک بیشتر تولید کنند و یا نتیجه قیمت را با کین آورند اوپک باید تولیدش را بیشتر کند و لو قیمت را پایین تر آورد و به این ترتیب جنگ قیمت ادامه خواهد یافت تا وقتی که حریف عا جز شود. یعنی قیمت را نتواند پایین تر برسد ( گفته می شود که هزینه عملیات در بعضی قسمت های دریای شمال به بشکه ای ۱۵ تا ۲۵ دلار می رسد) دودستگی مهمی که در اوپک وجود دارد مربوط به اختلاف در همین نظرات است. طی نیمه اول فوریه تولید عربستان در حدود روزی ۴/۸ میلیون بشکه در مقابل ۴/۳ میلیون سهم رسمی خود بود و یمانی در برابر اعتراض دیگران اظهار می کرد که از طرفی اعضای دیگر به

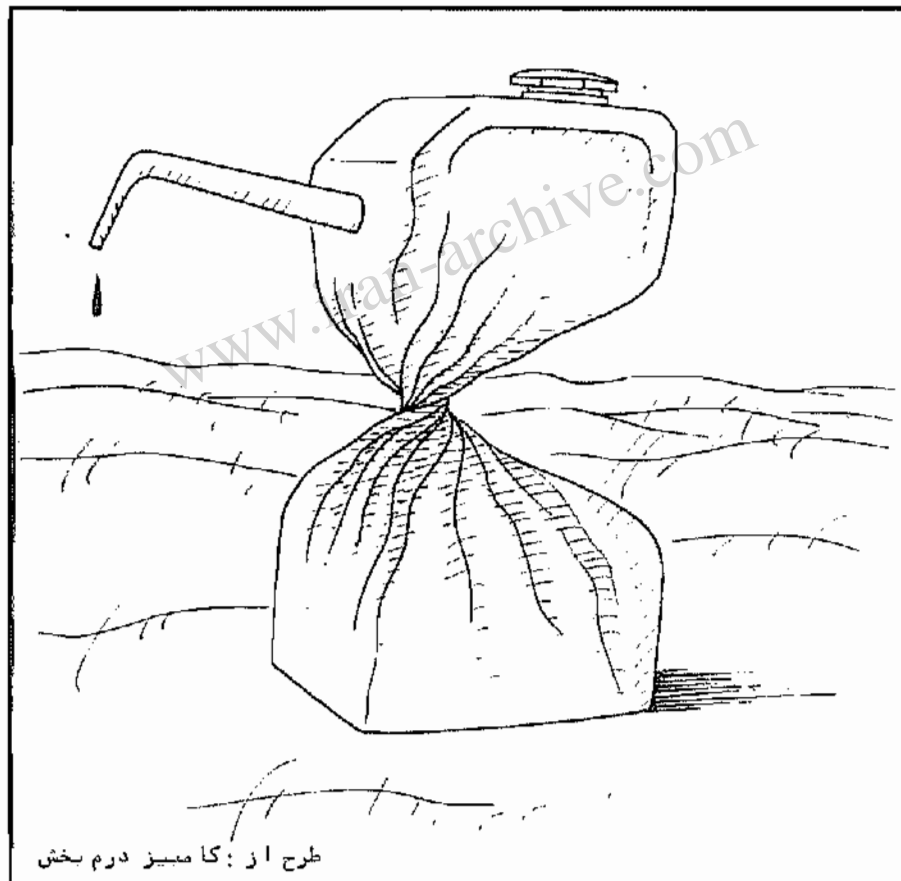
نفت امریکای بودجه عملیات اکتشاف را تقلیل داده و عده ای از جاهای مولد نفت سنگین رایسته بودند. از جمله شرکت فیلیپس بترولیوم اعلان کرده بود که ۲۵۰۰ نفر از کارمندان را بی کار می کند و در نهای آینده حکایت می کرد از اینکه امریکا روز به روز بیشتر محتاج به وارد کردن نفت از خارج میماند خواهد شد. در این مختصات سیاسی آن واضح است. در این وضع دولت امریکا عکس العملی نشان داد به این صورت که هر چند همیشه خود را مسئله قیمت نفت بی طرف و علاقه مند به ادامه وضع آزاد در بازار نشان داده بود معذلتک معاون رئیس جمهور، جرج بوش، را روانه عربستان سعودی کرد تا آن کشور را به عنوان مهمترین عضو اوپک و دارنده قدرتی کند که قیمت را ثابت نگاه دارد یا حتی به وسیله تقلیل تولید ترقی دهد. در تاریخ اول آوریل بوش با پادشاه عربستان به تفصیل مذاکره و نظریات دولت امریکا را بیان کرد و تذکر داد که در مسئله قیمت نفت منافع امریکا با منافع عربستان منطبق نیست و اضافه کرد که حمایت منافع امنیتی امریکا مستلزم اقدام برای تثبیت قیمت نفت است. درباراً مذاکرات بوش در عربستان سعودی گزارشی منتشر شد ولی شایع گردید که نتیجه ای از آن به دست نیامده و دولت عربستان از اظهارات بوش نگران شده است.

## عکس العمل ایران

کنفرانس بعدی اوپک در تاریخ ۱۵ آوریل در ژنو تشکیل شد. ده عضو زسیزده عضو روی طرحی به این مضمون موافقت کردند که تولید اوپک به جای روزی ۱۷/۵ میلیون بشکه کنونی معادل یک سوم مصرف کشورهای غیرعضو نیست به طور متوسط سالانه به روزی ۱۶/۷ میلیون بشکه محدود شود. اما از طرفی ایران و لیبی و الجزایر همچنان خواهان تقلیل تولید بسیار بیشتری بودند و از طرف دیگر مسئله عمده یعنی طبقه تقسیم مجموع تولید بین کشورهای عضو همچنان لاینحل ماند. وزیر نفت ایران، غلامرضا آقا زاده، گفت: نظر اکثریت اعضا دا بر برنگشتن نگاه داشتن قیمت از یک توطئه است. امریکای سرچشمه می گیرد و حتماً نتیجه ما موریت جرج بوش است. وی همچنین گفت: عربستان و کویت جنگ قیمت را علیه اعضای دیگر بخصوص ایران تعقیب می کنند و این توطئه است برای آن که ما را در جنگ ضعیف کنند. وزیر نفت الجزایر نیز ضمن حمله شدید به عربستان گفت: آن کشور به قصد ایجاد مضیقه برای سایر اعضا ( ایران ) عمداً با سیاست تقلیل تولید مخالفت می کند. اما در حال فورمولی که مورد موافقت اکثریت قرار گرفته اینست که در دوره سه ماهه سوم سال ( ژوئیه - اوت - سپتامبر ) روزی ۱۶/۲ ( میلیون بشکه و در دوره سه ماهه چهارم ( اکتبر - نوامبر - دسامبر ) روزی ۱۷/۳ میلیون بشکه تولید شود. در صورتی که سه کشور مخالف اصرار می ورزند که میزان تولید نباید از ۱۴ میلیون بشکه در روز تجاوز کند. کنفرانس ژنو این بار نیز بدون اخذ نتیجه نهایی پایان یافت و قرار بر سر این شد که جلسه دیگری در تاریخ ۲۵ ژوئن در شهر بیرونی بوکسلاوی تشکیل و طی آن طرز تقسیم بندی تولید اوپک بین اعضا تعیین شود. عملی شدن فورمول بالا البته مشروط بر آنست که در جلسه ۲۵ ژوئن توافق حاصل شود.

" امروز مصرف کنندگان امریکای که در خود فریبی از همه پیش افتاده اند دلشان را خوش می کنند به اینکه در دریای زمین شناورند، اتوموبیل های بزرگ ترمی خرید و فروش مرفه جویبی در مصرف نفت را کنار گذاشته اند و لیبی غافلند از اینکه در این ضمن شرکت های نفت امریکا به تدریج زسرما به گذشته در عملیات اکتشافی دست می کشند و امریکا هر روز بیشتر محتاج وارد کردن نفت از خارج خواهد شد. آری ای دوستان غربی من خوب به خود تلقین کنید که خودکام و طماع را به زانو در آورده اما تا وان غفلت شما را فرزندهای پستان خواهند داد. من حالانکه بزرگتری از کم کردن تولید نفت و با لایردن قیمت آن در سر می پرورام. تدبیر من بر اینست اینست که تولید را هر چه بتوانم بیشتر کنم تا ایران در نتیجه قیمت های نا و و رشکست شود. دستوری که من از خانواده سلطنتی دارم با کمال صراحت اینست: ایران را از زیر آوار بردارید زیرا عامل واحد و زورمندی که جهان را سر بر سر تهدید می کند ایران است اگر جلوی امریکایم آیت الله گرفته نشود نه فقط عراق جنگ را خواهد داشت، بلکه کویت اول و عربستان ، بعد سقوط خواهند

طور غیر رسمی بیش از سهمیه خود تولید می کنند و از طرف دیگر کشورهای رقیب اوپک مرتباً تولید خود را افزایش می دهند و در این وضع عربستان نمی تواند تنها مدافع سطح قیمت باشد و مجبور بوده است طی چند ماه گذشته قیمت خود را به قیمت بازار آزاد به فروش رساند. در ماه مارس که قیمت نفت دریای شمال به بشکه ای ۱۲/۵ دلار تنزل کرد کشورهای اوپک با ردیگر به مذاکره پرداختند و از پنج کشور غیرعضو یعنی مکزیک ، مصر ، عمان ، مالزی و انگلاد موت کردند ( انگلستان و ونزوئلا دعوت را نپذیرفتند) ولی آن ها حاضر به همکاری با اوپک نشدند و چون کنفرانس اوپک با نتیجه خیر سرسید، تصمیم به تجدید مذاکره در تاریخ ۱۵ آوریل در ژنو گرفته شد. در این هنگام تعبیر و تفسیرهای فراوانی در محافل نفتی امریکا طرح شده که هم حاکی از اختلال توافق در محیط اوپک و پیش بینی اختلال در وضع بازار بین المللی نفت بود. ضمن این تعبیرات ، ذکر نیز از رژیم گذشته و هم از رژیم کنونی ایران با این نتیجه گیری به میان می آید که همانطور که سیاست خود بزرگ بینی محمد رضا شاه ( دربار لایردن قیمت نفت ) منتهی به شکست ایران شد، همانطور سیاست



طرح از یک مبرز درم بخش

زیرکانه زکی یمانی ( دربار لایردن میزان تولید نفت ) ممکن است از طریق نقصان در آمد نفت ایران منتهی به شکست رژیم کنونی شود. ضمناً گفته می شد یک انگیزه مهم عربستان سعودی در اتخاذ این سیاست اینست که ایسران با رها تهدید کرده است که موجبی از تضعیف اسلامی بر خواهد انداخت و حکومت های عربستان و کویت را که سدر جنگ ایران و عراق به عراق کمک می کنند ساقط خواهد کرد.

یک جرییده نگار امریکایی چنین می گوید: " قیمت نفت که در اوج قدرت اوپک به بشکه ای ۳۶ دلار رسیده بود امروز به یک سوم این رقم افتاده است و اگر این تنزل ادامه یابد به زمانی بر می گردیم که محمد رضا شاه بالحن تقاضا می کردیم که ما گوشزد می کردیم که قدرت اقتصادی جهان را از زمانیکه غرب به اوپک منتقل خواهد کرد. " سپس خود را به جای زکی یمانی می گذارد و از زبان او می گوید:

کرد. از آنجا که مسئله برای ما یک مسئله حیاتی و معات است ما ضرورتاً قیمت را بخود هموار می کنیم. چون می دانیم که ما شین جنگ ایران را از کار می اندازیم. ما از پول ریختن در دامان عراقی طریقی نیستیم و حال آخرین امیدمان رساندن سول نفت به ایران است... اما من نمی دانم چرا امریکای ها اصرار دارند که شیوخ را طماع بخوانند؛ حرص ما برای کسب قدرت اقتصادی به پای حرص رئیس جمهور آن ها برای حفظ وجهه ملی خود نمی رسد او می خواهد تا آخرین لحظه ریاست زهمه منافع سقوط قیمت نفت بخورد را بشود. اما جانشین او تا وان آن را خواهد داد. همچنانکه کارتر هم تا وان غفلت دیگران را داد. این مقاله که در روزهای آخر ماه مارس در نیویورک تا نیم منتشر شده بود اشاره به تا رقابتی دولت امریکا از وضع قیمت بین المللی نفت می کرد. در این موقع قیمت نفت در بازار آزاد به سطح بشکه ای ۱۰ دلار افتاده بود، شرکت های

### رادیو ایران ساعت های پخش برنامه

برنامه اول

ساعت ۷/۳۰ تا ۸/۲۰ ساعت ۱۷ تا ۱۸ ساعت  
 ساعت ۱۹ (سراسر) روی امواج کویت  
 ساعت ۲۰ (سراسر) روی امواج کویت  
 ساعت ۲۱ (سراسر) روی امواج کویت  
 ساعت ۲۲ (سراسر) روی امواج کویت  
 ساعت ۲۳ (سراسر) روی امواج کویت  
 ساعت ۲۴ (سراسر) روی امواج کویت  
 ساعت ۲۵ (سراسر) روی امواج کویت  
 ساعت ۲۶ (سراسر) روی امواج کویت  
 ساعت ۲۷ (سراسر) روی امواج کویت  
 ساعت ۲۸ (سراسر) روی امواج کویت  
 ساعت ۲۹ (سراسر) روی امواج کویت  
 ساعت ۳۰ (سراسر) روی امواج کویت



# دلایان مرگ

هرکولس از نوع سی - ۱۳۰ - تی ، بانزده هزار موشک مدرن تی - او - دبلیو ، ۶۰۰ موشک چایارل ، ۲۰۰ موشک هدایت شونده ، ماور و بالآخره موتورهای مونتاز ۲۸ - و قطعات بازنده و آماده برای موتورهای انواع هلی کوپتر و هواپیما های نظامی ، دیده می شود . یک چنین فورخانه مجزی یقیناً نمی توانست به سادگی از مرز عبور داده شود . دلایان مرگ همزمان با انجام این معامله کلان یک سازمان مناسب برای صدور قانونی سلاحها تا سبب گردیده بودند .

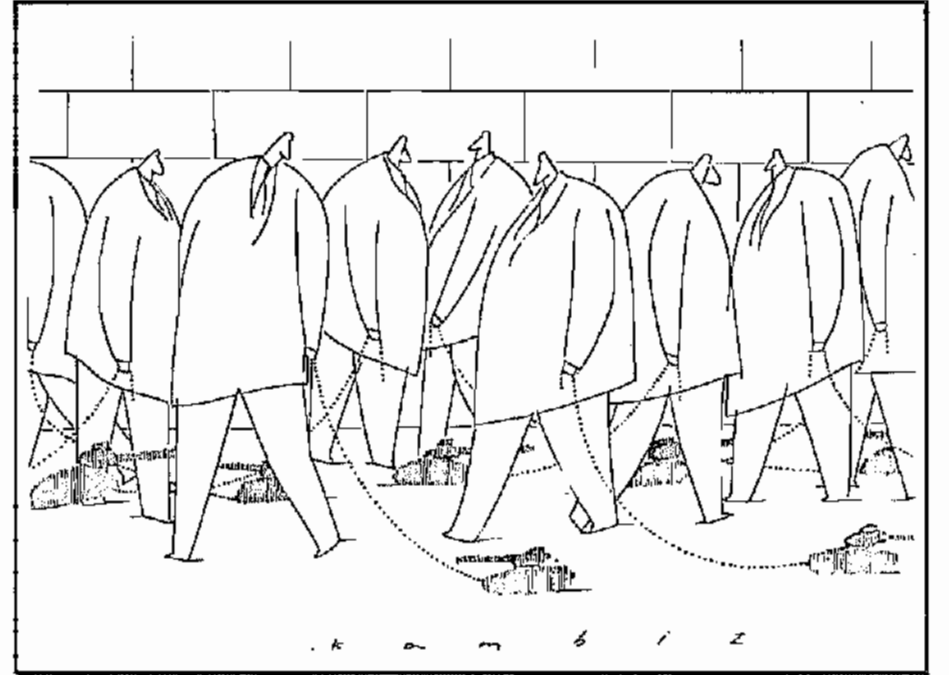
در اطراف این شبکه قاچاق بزرگ اسلحه یک نرسرگست از کشور کوچک لیشتن اشنا بین شرکت اسرائیلی بی - آی - تی و یک وکیل حقوقی آمریکایی مقیم لندن به نام سا موشل ایوان قرار داشتند .

۱۷ سوادگردان هم معامله قاچاق دست داشتند که در میان آن ها می توان از بازرگان آلمانی هانس فریدریش بین و یک آمریکایی مقیم تل آویوه اسیم

ساجرای قاچاق اسلحه به مبلغ ۲ میلیارد و نیم میلیون دلار برای رژیم جمهوری اسلامی که هفته گذشته فاش شد همچنان در مدار اخبار و تفسیرهای رسانه های همگانی جهان قرار دارد . بازنهاب این بزرگترین معامله غیرقانونی اسلحه از جمله مطبوعات اسرائیلی را ورا گرفته است و تاکنون گزارش های متعددی از حکومتی شکل گیری و مراحل کشف این شبکه بین المللی قاچاق اسلحه انتشار یافته است .

مطلب معتبر آلمانی اشپگل در آخرین شماره خود گزارشی تکان دهنده ای در همین زمینه با عنوان واسطه های مرگ به چاپ رسانده است . در گزارشی اشپگل آمده است که در مرکز این معامله غیر قانونی اسلحه با جمهوری اسلامی یک رسال اسرائیلی قرار دارد .

یکی از اعضاء سفارت اسرائیل در واشنگتن بی هیچ هیجانی توضیح داد که حکومت این کشور هیچ رابطه ای با این معامله



غیرقانونی اسلحه ندارد ، و این در حالی بوده که یکی از مسئولان کمرگ ایالتی در نیویورک اظهار داشت این ما چهره بزرگ ترین مبادرات غیرقانونی اسلحه است که در ایالات متحده کشف شده و با زیرکامی آن یک ژنرال اسرائیلی است .

ژنرال ۵۲ ساله اسرائیلی ، آبراهام با رام که چهار سال پیش در ارتش اسرائیل در لبنان به کار اشتغال داشت و در سال ۱۹۸۴ بازنشسته گردید ، طبق توضیح ما موران کمرگ ایالات متحده ، آمریکا برنامۀ فروش ۲ میلیاردی اسلحه به رژیم جمهوری اسلامی را برنامۀ مریزی کسرده است .

نخستین محموله های آماده برای حمل در دست قبیل از انجام آخرین مرحله این معامله قاچاق گشوده شد . این بسته های چندمیلیار دلاری قنداق های تنگ نبودند بلکه از بهترین ترسین نمونه های تولید صنعت مرگ تشکیل یافته بودند . نمونه های که در مجموع برای مسلح کردن یک ارتش کامل کافی بنظر می رسیدند .

بر روی برکه های اجازۀ تحویل کالای ژنرال آبراهام با رام فهرست (دهها فروند) هواپیما های جنگی اف - ۴ و اف - ۵ ، ۴۶ فروند اسکای سب افکن اسکای هاوک ، ۵ فروند هواپیما های باری

جریمه معادل ۲۵۰ هزار دلار و محکومیت تا پنج سال زندان بیاضا مد ، این اخرا را البته هیچ کمکی به شرکت کنندگان در معامله ۲ میلیاردی اسلحه به مبلغ ۲ میلیون دلار برای رژیم جمهوری اسلامی ، نمی کند .

در جمع ۱۷ نفری قاچاقچیان اسلحه که هم اکنون تحت بنکری هستند چهار آمریکایی ، چهار آلمانی ، چهار اسرائیلی ، دو یونانی ، یک فرانسوی ، یک انگلیسی و یک ایرانی به نام سیروس هاشمی عقوبت دارند و تاکنون ۹ تن از آنان از جمله سه اسرائیلی بازداشت شده اند . جالب توجه است که هیچ یک از بازداشت شدگان به هنگام توقیف در خاک ایالات متحده آمریکا نبوده اند .

ژنرال اسرائیلی آبراهام با رام کسه به همراه چهارتن دیگر از اعضاء با نسدر جزیره آفتاب بی برمودا دستگیر شد در زندان با صراحت و قاطعیت خواستار کفالت و حکومت اسرائیل شد و اظهار داشت که این دولت از اقدامات و تجارت او کاملاً آگاه بوده است . این ادعا مطمئناً دادستان های آمریکا را راقانع کرده است . به ویژه که آن ها به خوبی به یاد دارند که در سال ۱۹۸۵ زمانی که جیمی کارتر رئیس جمهور آمریکا در پاسخ به اقدام مگروگانگسری ۵۲ آمریکایی در تهران تحویل اسلحه به رژیم جمهوری اسلامی را متوقف ساخت ، اسرائیلی ها کوشیدند تا نیازهای رژیم حاکم بر ایران را در این زمینه تامین کنند . اسرائیلی ها دست کم قطعات تیرکشی و از جمله چرخ های هواپیما های شکاری اف - ۴ به رژیم جمهوری اسلامی تحویل دادند و به این ترتیب با وجود قطع معامله اسلحه آمریکا به تهران آن ها نگاه داشتند ارتباط تجاری سنتی میان آمریکا ، اسرائیل و ایران به طور کامل قطع شود . بهر تقدیر ، در حالی که ژنرال آبراهام با رام می گوشت تا خود وشکته قاچاق را در رابطه با اسرائیل قرار دهد ، در تل آویو مقام های دولتی و از جمله وزارت دفاع تاکنون این امر را تکذیب کرده اند و تا کیدورزیده اند که حکومت این کشور از این ماجرا هیچگونه اطلاعی نداشته است . معاون وزارت دفاع اسرائیل در این مورد گفته است در کشوروی تجارت آزاد است و هرکس بدون دخالت دولت می تواند به کسب و کار بپردازد . البته این سخنان خوشایند ژنرال آبراهام با رام نبود و به همین سبب خیلی سریع واکنش نشان داد و گفت : من نمی خواهم زمان زیادی را با طرهیج در اینجا بگذرانم و اگر دولت اسرائیل به ما کمک نکنند من هم مطالبی برای بازگرداندن خواهم داشت .

اشپگل - ۳۰ آوریل ۸۶

## کمبود مواد غذایی در ایران

وال استریت جورنال ، روزنامه آمریکایی - چناب بروکس به نقل از یک تحلیلگر کمر وزارت کثرت و زری آمریکا نوشت ایران از کمبود مواد غذایی رنج می برد و احتمال دارد که کمبود غذایی در شرایطی که واردات ایران به علت سقوط قیمت نفت ، کاهش یافته است ، ادامه یابد . افزون بر این ، جنگ ایران با عراق و کاهش ذخایر خارج سبب شده است که ارزش ریال به یک دهم ارزش آن در سال ۱۳۵۹ کاهش یابد .

وال استریت جورنال - ۲۹ آوریل ۸۵

## صدای آمریکا:

## گزارش مستند

## حقوق بشر پارلمان انگلستان

گروه حقوق بشر پارلمان انگلستان در یک جزوه سی صفحه ای مواروشوا هدا شکار نقض حقوق بشر در جمهوری اسلامی را روز ۱۸ آوریل در لندن ویا ورس منتشر کرده است . لردا یوبوری رئیس گروه حقوق بشر پارلمان انگلستان ، در مقدمه این جزوه می نویسد :

"این گزارش به وضوح کامل تجاوزهای هولناک به حقوق بشر را که زهفت سال پیش تاکنون در ایران ادامه یافته تشریح می کند و بدبختانه نشان می دهد که برخی از این تجاوزها هم اکنون روز افزون است و نادی تروبیستما تیک ترمی بود ."

گروه حقوق بشر پارلمان انگلستان مرکب از ۱۱۷ نماینده از احزاب مختلف است و لردا یوبوری ، رئیس گروه ، جای دیگر در مقدمه برجوه گزارشی نقض حقوق بشر در ایران می افزاید :

"فکر بنیادی برای موارد نقض حقوق بشر در ایران آیت الله خمینی از کشت و شندی با دگترتا بوربختیا ربه هنگام با زبندی از لندن در سال ۱۹۸۵ ریشه گرفت .

لردا یوبوری در پایان می نویسد : "مادر تنظیم و تکمیل این گزارش مدیسون یاری های گرانبها می شستیم که از نهضت مقاومت ملی ایران در سبافت داشته ایم .

متن گزارش گروه حقوق بشر پارلمان انگلستان حاوی دفتل است . در فصل اعدام ، آمده است که شمار اعدام های بدون حکم در ایران بر اساس انقلاب اسلامی هر سال افزون تر شده است . گروهی از وکلای دادگستری در ایران به سال ۱۹۸۲ اعلام کردند که بر طبق قوانین اسلامی حاکم بر دادگستری جمهوری اسلامی ۱۵۹ نوع جرم مجازات اعدام است و از جمله این جرائم داشتن افکسار نظامی ، محاربه با خدا و دشمنی با مردم و انقلاب ذکر شده است .

گزارش گروه حقوق بشر پارلمان انگلستان هم چنین می گوید که حدود ۱۲۰۰۰ نفر پس از به قدرت رسیدن آیت الله خمینی اعدام شده اند که به معنای دیگر ، رژیم آیت الله خمینی هر روز ۴ نفر را اعدام کرده است .

در فصل شکنجه ، این گزارش صراحتاً متذکر می شود هم زندانیان سیاسی در زندان ها به طور روزمره و عادی شکنجه می شوند . کتک و تلافی و محرومیت از غذا و استحمام و ملاقات با بستگان نزدیک از جمله شکنجه های ملایم و قابل تحمل است و گرنه عوام رژیم جمهوری اسلامی با ابداع شکنجه های موسوم به آتولو ، زندانیان را تا سرحد مرگ و کشتن را زان دیوانگی عذاب می دهند . آتولو ، شکنجه ایست که طی آن زندانی را به صدلی مخصوص می بینند و کلاه آهنی بر سرش می گذارند و آنگاه به زندانی شوک الکتریکی می دهند و در همین حال او را کتک می زنند . کلاه مخصوص آهنی مدای فبراید های زندانی را به میزان خارق العاده برطرفین ترمی کند ، تا آنجا که از آنکس این صدای مخوف در جمجمه ، شکنجه شدگان بیخوش و بیاد برخی موارد دیوانه می شوند .

گزارش نقض حقوق بشر در ایران که از سوی ۱۱۷ نماینده مجلس عوام انگلیس در پاریس ولندن منتشر شده است از دادگاه های که قاضی شرع در آن بسسه عنوان قاضی و دادستان و جلد یک جاسا عمل می کند ، و از رفتار ظالمانه با اقلیت های مذهبی زنان و بلوچ ها و کردها و از ایجاد جنتا ق و ارتعساب فصل و مشروح سخن می گوید و در مقوله حذف آزادی بیان در جمهوری اسلامی با آوری بود که بنا بر گزارش کمیته دفاع از نویسندگان و خبرنگاران ، تا سال ۱۹۸۴ در جمهوری اسلامی ۳۰۰۰ روزنامه و مجله تعطیل شد ، ۳۹۹ نویسنده و خبرنگار اعدام شده اند . پیش از کریخته اند و این در حالی است که بنا به گزارش کمیته جهانی مبارزه با ناسور مقامات حاکم جمهوری اسلامی در این شش سال به تحریف تاریخ ایران اقدام کرده و بدلخواه خود آن را دوباره نوشته اند و تاریخ تحریف شده را در مدارس به نسل جوان تدریس می کنند .

گزارش جامع و مستند کردها و پارلمانی انگلستان در باره نقض حقوق بشر در ایران ، در صدها هزار نسخه در سراسر جهان بخش شده است . بر روی جلد این گزارش آمده است که علاقه مندان در انگلستان می توانند ، گزارش طبع شده را به مبلغ ۲ پوند از محل پارلمان انگلستان و یا از دفتر گروه حقوق بشر پارلمان انگلیس خریداری کنند .

در برنامه نا گاهی دوشنبه ۲۸ آوریل صدای آمریکا بخش شده است .

# فرهنگ ایران

## بحثی دربارهٔ زبانهای ایرانی

# زبان دری، مظهر ایستادگی فرهنگی ایرانیان

محمد جعفر صاحبزاده

زبان های مرده اندودگرکسی بدان ها سخن نمی گوید. از همین جا تعریف اساسی زبان های ایرانی معروف به "نو" نیز بدست می آید: آن زبان های ایرانی که هنوز مردم فلات ایران (نه فقط کشور ایران فعلی) بدان ها سخن می گویند، در اصطلاح زبان شناسی زبان های نوخوانده می شوند. مهم ترین آن ها زبان فارسی (بدری) و زبان پشتو است که هر دو از زبان های نیمه شرقی ایران هستند. از میان زبان های نو خوانده می توان کردی را یاد کرد که کسب خویشاوندی نزدیک با زبان پهلوی دارد. نیز بدید داشته باشیم که "کردی" اسم یک زبان واحد است و نه پهلوی، بلکه رشته زبان های است که همه کردی نامیده می شوند و مثلاً "مردم سنجند کردی میباید و بوکان را، یا نمی فهمند یا به دشواری درک می کنند. پهلوی نیز به همین قیاس نام رشته زبان های بوده است که یکی از آن ها زبان رسمی دربار ساسانی بوده و بسیاری از آن ها تا قرن های پس از اسلام (قرن نهم هجری) دوام کرده است.

اکنون که در نهایت اجال زبان های ایرانی را معرفی کردیم، کوپیم در دورانی که با آمدن اسلام به ایران با این یافت. یعنی دوران ساسانی - با این تخت کشور (تیسفون) در غرب و در خاک فعلی عراق قرار گرفته بود. از این روی بسیار طبیعی و بدیهی است که زبان مردم همان ناحیه - یکی از شاخه های پهلوی معروف به پهلوی ساسانی - زبان رسمی ایران گردید و تمام مردم - و از جمله شاهان و دستگاه دولت و تمام دستگاه روحانیت - بدان زبان سخن بگویند و بنویسند و چنین نیز می کردند.

با آمدن اسلام به ایران، پهلوی ساسانی از رسمیت افتاد. فرمان رویان تازه به عربی سخن می گفتند، و بدین نیز با خود آورده بودند که زبان آن عربی بود. بنابراین مردم مجبور بودند در مقام مکاتبه با حاکم، یا فرا گرفتن مسائل دینی و عمل بدان با عربی سروکار داشته باشند، و از همین روی خواندن و نوشتن پهلوی پس از آنک مدتی برافتاد و تا بدین قرن دوم هجری دیگر جزومردان زردشتی کسی این خط را نمی شناخت و نمی توانست بخواند.

با علاوه بر آن که دربار روروا نیت بدین زبان سخن می گفت و می نوشت، میلیون ها تن مردم دیگر، و نزدیک به تمام آنان بی سواد، بودند که پهلوی زبان مادریشان بود. هنوز هم در تمام دنیا مردم بی سواد یک معلم زبان بیشترند و آن مادرشان است و به یک زبان پیش سخن نمی گویند و آن زبان مادری شان است.

پهلوی ساسانی نیز زبان جمعیت انبوهی از مردم ایران بود که تنها به همین یک زبان سخن می گفتند و برای سخن گفتن به زبان دیگری بده مدرسه بروند و آن زبان را بیاموزند و سپس بدان سخن بگویند. درست مثل همین وضعی که امروز مردم آذربایجان دارند. البته امروزه رادیو تا حدود زیادی به نشر زبان دوم یعنی فارسی در آذربایجان کمک کرده است، با این حال فرق کودک دبستان آذربایجان با ناهای مثل خراسان این است که کودک خراسانی خواندن و نوشتن زبان را می آموزد که پیش از آمدن به مدرسه بدان سخن می گفته است و حال آن که کودک آذربایجانی هم با بدخواندن و نوشتن فارسی را بیاموزد و هم سخن گفتن بدان را.

بدین ترتیب درست است که خواندن و نوشتن پهلوی در قرن دوم هجری از میان رفت، اما سخن گفتن بدان زبان که نمی توانست به این آسانی بمیرد، شواهد بسیار در دست است که در روزگار که شاهان بزرگمانند شیخ اجل سعدی و خواجه شیراز غزل های بی بدین لطف و طراوت به زبان دری می سرودند، مردم شیراز میان خود به زبان سخن می گفتند که آن را "پهلوی" می نامیدند. از این زبان پهلوی نمونه های بسیاری به ما رسیده است. هم در دیوان حافظ هست و هم در آثار سعدی. علاوه بر این شاعر شیرازی از قرن نهم (یک قرن بعد از حافظ) به نام شاهدا می شیرازی مشهوری سروده و آن را "کان ملاحظه" نامیده است. این مثنوی موجود است و به چاپ نیز رسیده و با ترجمه و تفسیر منتشر یافته است. زبان این مثنوی پهلوی (متعلق به قرن نهم هجری و معمول در شیراز) است. از این گذشته حافظ آثاره های صریح به گلبانگ پهلوی " (سرود پهلوی) و "غزل های پهلوی دارد:

بلبل ز شاخ سرو به گلبانگ پهلوی  
می خواند و در درس مقامات معنوی  
یا:  
مرغان با غغانه سنجند و بدله گوی  
تا خواجه می خورد به غزل های پهلوی

بنابر این ملاحظه می شود که پس از اسلام "زبان پهلوی" به عنوان زبانی محلی و متعلق به نواحی غربی ایران بقیه در صفحه ۱۱

زبان، دانشمندان زبان شناسی بدان داده اند. از این زبان نیز جز کتیبه های شاهان هخامنشی چیزی در دست نیست و تاکنون مجموعاً در حدود ۶۰۰ کلمه نامکرر از این زبان کشف شده است.

۴ - زبان اوستایی، نام این زبان نیز بر ما معلوم نیست، اما چون هیچ نوشته دیگری جز اوستا، کتاب دینی ایرانیان باستان بدین زبان در دست نیست، دانشمندان نام "زبان اوستایی" را بر روی آن گذاشته اند. باز، ظاهراً زبان فارسی باستان از زبان های نیمه غربی و اوستایی از زبان های باستانی نیمه شرقی ایران بوده اند.

از خصوصیات زبان های باستانی مشکل بودن و بیچیدگی فوق العاده گرامر آن هاست. امروز - به حقیقت - معتقدند که در میان زبان های زنده هندواروپایی گرامر روسی و آلمانی از همه دشوارتر است. اما دستور زبان های سنسکریت، اوستایی و فارسی باستان به درجا تا از گرامر روسی و آلمانی دشوارتر است. در این باب به همین اندازه توضیح اکتفا می کنیم و سؤال دیگری را طرح می کنیم:

پیش تر گفتیم که قدیم ترین زبان های هندواروپایی که بی واسطه از زبان اصلی منشعب شده و نوشته های آن ها در دست ماست همین زبان های سنسکریت، فارسی باستان و اوستایی است (از زبان های سکایی و مادای هنوز نمونه های به دست نیامده است). ظاهراً، و بدلیل عقل، باید هر چه رو به گذشته باز می گردیم زبان ها ساده و ساده تر شوند (چنان که امروزه نیز زبان تبیله های نیمه وحشی از هند و آفریقا و جزایر دور و دور است که در مورد زبان های هندواروپایی و زبان های ایرانی، هر قدر رو به گذشته می رویم زبان دشوارتر می شود؟ آیا در این زمینه چیزی خلاف عقل و منطق روی داده است؟

خیر! هیچ چیزی خلاف عقل و منطق روی نداده است. مشروط بر آن که حساب "خط" را از حساب زبان جدا کنیم. و این امر کاری آسان نیست، زیرا امروزه مردم هر زبانی را همراه خط آن فرا می گیرند و حتی بی سوادان نیز با آن که خط نمی شناسند می دانند که هر زبانی خطی ندارد. اما اگر این را بگذرانیم و به نسبت عمر بیشتر بر روی زمین حساب کنیم، رابطه ای بسیار تازه و جدید است. از اختراع خط پیش از حدود شش هزار سال نمی گذرد و حال آن که دست کم یکصد و پنجاه تا دو صد هزار سال از تاریخ اختراع زبان می گذرد. مثلاً سفینه ای که در این باب خود به گفتاری جداگانه نیامده و زار دارد و نمی توانیم در حال حاضر و در این بحث شویم و شایسته روزی بتوانیم بدان بپردازیم.

بنابر این هیچ نوشته ای نیست که پیش از حدود شش هزار سال از عمر آن بگذرد، و زبان های باستان ساسانی ایران چندان عمر داشته اند که هزاران، بلکه ده ها هزار سال پیش از اختراع خط پدید آمده و مدت های دراز زینت به سینه و دهان به دهان انتقال یافته و هر روز و هر سال و هر قرن پیش از این راه تکامل را پیموده اند تا بدان حد که در دوره هزار سال پیش (که تاریخ نگارشان اوستا نوشته شد) کتیبه های هخامنشی (است) بدین حد تکامل و بیچیدگی رسیده بودند. دیگر از اختصایات زبان های باستانی این است که تمام آن ها زبان مرده به حساب می آیند، بدین معنی که امروز هیچ کس بدین زبان ها سخن نمی گوید.

پس از زبان های باستانی، نوبت به زبان های پهلوی می رسد که در اصطلاح آن ها را "زبان های میانگه" می گویند. تفاوت اساسی زبان های میانگه و زبان های باستانی در سادگی فوق العاده آن هاست. زبان های ایرانی میانگه از نظر سادگی ساختمان دستوری به فارسی امروز شباهت دارند و در آن ها از مکرر و "نو" نث و خنثی و صیغه شناسی (که در زبان های باستانی وجود داشت) خبری نیست و این، تفاوت اصلی زبان های باستانی با زبان های میانگه است. زبان های میانگه نیز به دو گروه شرقی و غربی تقسیم می شوند. از زبان های میانگه شرقی ایران می توان زبان های سغدی، ختنی و غوزاری را یاد کرد. معروف ترین زبان غربی میانگه، زبان، یا زبان های معروف به پهلوی است، که از آن در مقام گفتگوار زبان های نو، کمی بیشتر سخن خواهیم گفت.

دو شاخه عمده پهلوی، یکی پهلوی اشکانی و دیگری پهلوی ساسانی است و این اصطلاحات نیاز به توضیح بیشتر ندارد، چه پهلوی اشکانی زبانی است که در دوران اشکانیان رسمیت داشته و بدان سخن گفته می شده و پهلوی ساسانی زبان رسمی دربار ساسانیان بوده است. این دو زبان در مدتی نزدیک هزار سال (از جمله اسکندر تا حمله عرب) زبان رسمی ایران بوده اند و با یکدیگر نیز اختلاف های بی دارند. فرق اساسی زبان های میانگه و زبان های نو، از نظر ساختمان دستوری و از آن نیست. از این نظر زبان های میانگه و نو یک و بیست ما شش یکدیگرند. تفاوت اساسی آن ها در این است که تمام زبان های میانگه نیز

اگر نظری به نقشه جغرافیای ایران بیفکنیم، خواهیم دید که ناحیه ریگ زاوکویری بسیار وسیعی تقریباً سراسر کشور را از شمال به جنوب به دو نیمه تقسیم کرده است. این کویرها که از شمال به جنوب به نام های دشت کویر، دشت لوت و کویر کرمان نامیده می شود تقریباً از دامنه البرز تا غار زنده به سمت جنوب شرقی تا بلوچستان ایران (و پاکستان) کشیده می شود. وسعت این بخش کویری تا حدی است که شاید بیست و پنج درصد از سرزمین های کشور را غیر مسکون ساخته است. نه تنها ایران امروز، به توسط این ناحیه ریگ زاویه دو نیمه شرقی و غربی تقسیم می شود، بلکه در طول تاریخ، در دوران هایی مانند روزگار هخامنشیان (پیش از اسلام) و سلجوقیان (بعد از اسلام) که ایران به آخرین حد توسعه جغرافیایی خویش رسیده بود، باز این ناحیه آن سرزمین را که از شرق به رود سیحون و جیحون و از غرب به دریای مدیترانه محدود می شد، بر همین روش به دو بخش شرقی و غربی، که راه یافتن از یکی به دیگری مستلزم گذشتن از راه های دور و دراز بی آب و آذوقه و بسیار خطرناک بود تقسیم می کرد. خلاصه این که در درازنای تاریخ دوهزار و پانصدساله کشور، رفتن از شرق به غرب، جز از راه کرانه های بحر خزر یا دریای عمان و خلیج فارس یا از راه دریای میسرینود و در هر صورت پیوندها و ارتباط بین این دو بخش به شکل و با دشواری تا مین می شد. نتیجه طبیعی این دوری آن دو که زبان های ایرانی، از دوران های پیش قدیم، به دورشته متفصلاً و زبان های شرقی، و زبان های غربی تقسیم شود که در انتساب از یک ریشه، با یکدیگر تفاوت ها بی داشته باشند.

این دوگونگی زبان های شرقی و غربی پس از اسلام، و آن گاه که زبان فارسی فعلی (زبان دری) جای گزین زبان معروف به پهلوی ساسانی، و زبان رسمی ایران شد، بیشتر آشکار گردید. اما پیش از پرداختن به شرح تفاوت های فارسی دری و پهلوی، باید نظری کوتاه به زبان های ایرانی قدیم تر، آن ها که "زبان باستانی" نامیده می شوند افکند و آن گاه بر سر این سخن آمد.

تا چندی پیش دانشمندان و زبان شناسان، برای نژادی که امروزه نژاد سفیدنا میده می شود، دورشته زبان قائل بودند که یکی از آن دوران همان که زبان های ایرانی نیز جز آن است - زبان های هند و اروپایی ورشته دیگر را زبان های سامی می نامیدند. اکنون رشته دیگری نیز بدین دورشته افزوده شده که آن را زبان های آسیا تنگ کویندوسومری قدیم و نیز زبان های غربی و زبان های آسیا تنگ کویندوسومری قدیم و نیز است. بدیهی است که هیچ یک از این رشته زبان ها جز هندواروپایی مورد بحث ما نیست.

برای زبان های هندواروپایی توضیحی بیش از آن لازم نیست: زبان های است که مردم زهند و پاکستان، تاروپا (وامریکا) بدان سخن می گویند. هند، فارسی، روسی، یونانی، فرانسوی، آلمانی، ایتالیایی و... جز این رشته است و امروز خوشبختانه بی گفتگی این زبان ها با یکدیگر به اثبات رسیده و نشان داده شده است که تمام این زبان ها از یک زبان مادر، که هیچ اثر نوشته ای از آن در دست نیست (و این حال از طریق پژوهش های علمی گرامر آن را نوشته و بسیاری از واژه های رایج را یافته اند) سرچشمه می گیرند. چون هیچ نوشته ای از این زبان در دست نیست، طبیعتاً دانشمندان نام آن را نیز نمی دانند، و چون تا چنانچه با پیدای این زبان نامی داشته باشند تا بتوانند آن را آن گفتگو کنند، همین دانشمندان آن را زبان (نزدیکان های) هندواروپایی نامیده اند.

بعضی زبان های کهنی واسطه از این زبان هند و اروپایی سرچشمه می گیرند می شناسیم و آثاری از آن در دست داریم و آن زبان ها را "زبان های باستانی" می نامیم. یکی از این زبان های باستانی سنسکریت، زبان دینی و ادبی هند باستان است. آثار بسیار گران بهای ادبی و دینی بدین زبان به یادگار مانده است.

از زبان های باستانی ایرانی چهار زبان را می شناسیم: زبان سکایی، زبان مردم سیستان، از زبان های ایرانی نیمه شرقی ایران، زبان سغدی، زبان مادی. ما نام کهن ناحیه آذربایجان، کردستان و لرستان فعلی و در حقیقت بخش غرب و شمال غربی کشور است. در دوران های بسیار دور مردم این ناحیه به زبانی سخن می گفته اند که آن را زبان مادی می نامند.

از این دو زبان، جز نام آن ها، و دوسه کلمه ای که در مدارک تاریخی، مانند نوشته های هرودوت، و کتیبه های ایران باستان آمده است چیزی نمی دانیم. ۲ - فارسی باستان، همان زبانی است که با خط میخی در کتیبه ها و سنگ نبشته های پادشاهان هخامنشی، کوروش، داریوش و خشایارشا ثبت شده است. نام این زبان را نمی دانیم و نام فارسی باستان را، پس از خوانده شدن خط میخی و نوشته شدن گرامر فرهنگ این



# دوگفتار از رادیو ایران

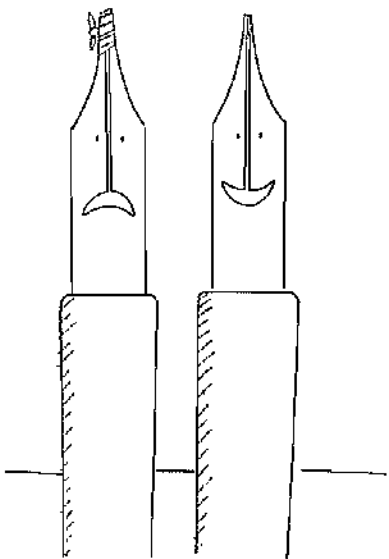
کتاب های پسرانه - دخترانه

## آموزش و پرورش زنانه - مردانه همیشه

باری، دهان که می گشایند، آدمی از شرم آب می شود و بر زمین فرو می رود. بیچاره و گوتنه فکر ملائحتی که تکران صدای تحریک آمیز زنان است و آنچه صدای کیسوان شان و مدام با بیست ترین عقده های حیوانی دست به گریبان است و نند در آتوبوس از این کا بس درامان است و نه در خیابان و نه در خانه، و نه در مدرسه و حتی در لابلائی صفحات کتاب درسی بیچاره گرواندیشانی که زن و مرد را شسته و سنگ می داند و پنبه و آتش - در دریا، میانسان دیوار می کشد و در کلاس دانشگاه نیز و اینک در دبستان حتی بر آنست کتاب های دخترانه، پسرانه تا لیف و تدریس کند.

همان روزهای نخست سی آموزش پنجاه و هفت، وقتی به کتاب فروشان تبریزی که از مزاحمت گروه های فشار، به جسد آمده و سگایت به کمیت برده بودند، گفتند: کتاب های غیر مذهبی را در برابر دریافت دوبرابر برپای روی جلد آن، وسط میدان شهر آتش بزنند. باید می دانستیم که اینان - این حرامیان، چنین کارهای خطرناکی را در کیسه دارند که یکی پس از دیگری بیرون کشیده و به جان مردم می اندازند. همان روزها باید می دانستیم که اینان برای اوراق کردن تاریخ آمده اند، و نه ورق زدن آن.

همان روزها که در بسیاری از شهرهای به خون نشسته ایران زمین، کتابفروشی، حرفه ای صد انقلابی شلخی می شد، چنین روزهای سیاهی را می باست حدس می زدیم، باری به جزوه گذاشتن ستاد اجرایی و برنامهریزی تغییر بنیادی نظام آموزش و پرورش با زکردیم. جان کلام این است که: محور مطالعات ستاد تغییر بنیادی نظام، کتاب های ناماام کودک کس حاج آقا روح الله الموسوی الخمینی است و نیز، "تفسیر الحیوان" علامه طباطبائی، که سرانجام می تواند به عنوان راهنمای دریافت صحیح اسلام و حکومت اسلامی در بیاید.



حرامیان برای باورند که نظام موجود آموزش و پرورش ما از نظام های غربی تقلید شده است و بنا بر این زیر و زبر باید کرد. و محصولات این نظام هم است که هیچ گونه همه هنگی بین فرآورده های این نظام و نیازهای جامعه انقلابی موجود نیست و هر چه افراد بیشتری فارغ التحصیل شوند، مشکلات بیشتری برای جامعه فراهم می گردد.

یکی از نمونه های عدم تطابق فرهنگ غربی با فرهنگ اسلامی، همگون بودن تعلیم و تربیت پسران و دختران

بیرامون ماجرای قاچاق ۲/۵ میلیارد دلار اسلحه

## اسرائیل و خمینی

برخوردار است. ژنرال "برام" پس از دستگیری، خمینستانه می گوید: "... چیزی که ما می خواستیم به ایران بفروشیم تسلیحات دولتی است. بگذارید بگویم، شخصیت های بسیاری در این معامله دست دارند و ما بخوش کوچکی از آن ها هستیم..."

ژنرال "برام" علیرغم اعلامیه مشترک وزارت دفاع و وزارت امور خارجه اسرائیل که هرگونه دخالت مقامات این دولت را در "معامله اسلحه" تکذیب می کند، ادامه می دهد: "... دولت اسرائیل، از این معامله آگاه بود. من انتظار داشتم که این دولت از ما جا نبداری کند... قرار بود که برای فروش و حمل اسلحه به ایران، اجازه رسمی صادر شود، ولی هنوز مذاکرات به پایان نرسیده بود..."

از سوی دیگر نوع و مقدار تسلیحات مورد معامله، نمایانگر آنست که بی گمان روابط های کوناکونی در ماجرا دست داشته اند. در میان اقلام مورد معامله، ۱۵ هواپیمای فانتوم اف-۴ و چندین تانک ام-۴۸، تعداد معدنی بیسی بمب افکن های "اسکای هاوک" و هواپیما های حمل و نقل هرکولس و بالابر هزاران موشک زمین به هوا معروف به "تو" و هزاران سلاح کوچک و بزرگ دیگر به چشم می خورد.

بنا به گزارش خبرنگاری ها، در اسناد جعلی حمل، مقصد این محموله ها، کشورهای ترکیه یا فیلیپین، عنوان شده است، چرا که ظاهرا "قوانین آمریکا فروش و حمل اسلحه به ایران را ممنوع اعلام کرده است. محتویات یکی از کانتینر های عالی رتبه گمرک در نیویورک گفته است: "این جنایتکاران را باید دلالان مرگ نامید که در ازای دریافت پول هنگفت بازاریابان اسلحه را به روی "توروریت" ها می گشایند. موشک های مورد معامله این قاچاقچیان به نام "تو" سلاح ایده آل تروریت های بین المللی است..."

این نکته را بگوئیم و بگذریم تا زمانی که ارسال پنهانی و آشکار اسلحه به جمهوری اسلامی، قطع نشود این رژیم دیوانه و خونخوار از پای نخواهد نشست و تا زمانی که این رژیم به زندگی نتکین خود ادامه می دهد، منطقه خلیج فارس روی صلح و آرامش نخواهد دید و تروریت همچنان قربانیان تازه ای بجای خواهد گذاشت.

رسانه های گروهی این روزها خیر از کشف بزرگ ترین بانددین المللی قاچاق اسلحه می دهند. باندی که قرار بود انواع سلاح های سبک و سنگین آمریکایی را به ارزش ۲/۵ میلیارد دلار به دست جنگبارگان، خونخوارگان و شیطان صفتان حاکم بومین ما برساند تا آن بتوانند همچنان جهنم جنگ را غلبه و رنگا رنگ در دو بازم از گذشته، بشته بسازند.

رژیم خمینی، مانند همه رژیم های خودگما، در حال احتضار، اینک که در درون کشور با نفرین و نفرت مردم روبرو شده و در محنت بین المللی به انزوا و مطلق رسیده است، از آنجا رانده و در اینجا مانده، برای بقای خود، از هیچ جنایتی، هر اندازه سهمگین، رویگردان نیست. شعار قلابی "جنگ جنگ، تنها پیروزی" که نشخوار بوق های تبلیغاتی رژیم شده است، نه از سر قدرت و اعتماد بنفس، که از شرط استیصال و دریا ننگی است. جنگ، شیک، عمرا این نابکاران است، و برای حفظ و تدوام جنگ، دستیابی به سلاح های مرکب، مهمترین هدف آن ها است. دیگر تفاوتی ندارد که این اسلحه از سوی کمونیسم شرق بیاید یا از سوی امریکالیسم جها نخواستار غرب یا حتی از سوی اسرائیل یا به قول خودشان رژیم اشغالگر قدس که گویا با پیدا زروی گره زمین، محو شود.

در سال های گذشته، بارها ترانسن و شواهد و گواهی اسناد مدارکی که به دست می آمد، نشان می داد رژیم خمینی برخلاف شعارهای توخالی دست گذاشتن خود را به هر سوی ممکن دراز کرده و بخصوص از امریکا و اسرائیل که در آن دور دشمنان شماره یک خود به حساب می آورد، مستقیم یا غیر مستقیم اسلحه دریافت کرده است. ولی هر بار "تکذیب نامه" های رسمی سبب شد که سرمد ها فروکتی کنند و "اعتیت" رنگ و بوی "شایعه" بخود بگیرد. ولی این بار، رسوائی معامله اسلحه با قاچاقچیان بین المللی آنچنان روشن و آشکار است که دیگر هیچ استکار و تکذیبی، توان فروپوشانیدن آن را ندارد. حضوریک ژنرال بازنشسته اسرائیلی به نام "ابراهام برام" در میان قاچاقچیان و سخنان افشاگرانه او بخوبی نشان می دهد که رژیم خمینی همچنان از حمایت های اسرائیل که آن را دشمن شماره یک خود به رسم آورده

در این نظام است، در حالی که با پیش اسلامی جز در اساس فطرت که با هم اشتراک دارند، در بسیاری از خصوصیات و استعدادها با هم متفاوت اند. کهدر پرورش آنها، رعایت این تفاوت ها بسیار حائز اهمیت است. آری، حرف آخر این که، حرامیان با شوخ چشمی، این آخرین تیر ترکش را نیز در تاریکی مطلق رها می کنند. بی آنکه بدانند، قلب خود را نشانه گرفته اند. مدرسه و دانشگاه را می خواهند به صورت مکتب خانه و حوزه های علمیه در آورند. آموزش و پرورش را، زنانه مردانه کنند. دلیل همی آورند که: "در غرب، مسیحیت از ابتدا دنیا را از آخرت جدا کرد و کار دنیا را به فیض کار دین رابه خدا سپرد. به همین سبب می توانست دست آویزی برای داشتن دولت و نظام تعلیم و تربیت داشته باشد. ولی در نظام اسلامی که چنین جدایی بین امور انسان نیست و همه کارها و وظایف اجتماعی هم نوعی عبادت است و واجب کفایی است - دیگر جای برای دویا چند نظام تعلیم و تربیت باقی نمی ماند.

تاریخ گذشته اسلامی نیز نشان می دهد که همه دانشمندان ما از یک نظام واحد بهره مند می شده اند و در این منجمان و طبیعتان از همان مدرسه بیرون می آمدند که فقها و حکما.

**رادیو محلی نهضت و استگتن**  
رادیو ایران - رادیو محلی نهضت و استگتن - ویرجینا - مسریلسد یکصد و هشتاد و پنج - از ساعت ۱۰ تا ۱۱ با مداروی موج متوسط ۱۴۵۰ - رادیو ب. (۷.۰)





وزیر را بی اطلاع داد که شرکت هر چند تقاضای تعیین  
داور نموده است ولی حاضر به ورود در مذاکره دوستانه  
با دولت می باشد.

۷ خرداد: وزیر امور خارجه انگلستان دربارلمان  
اظهار کرد که شرکت نفت آما ده حل اختلاف با دولت  
به وسیله مذاکره بوده و همت مشروط برای اینکه دولت  
ایران به طرز رضایت بخش با شرکت رفتار نکند. همان  
روز سفیر آمریکا دکتر معدق و سفیر انگلیس را به نهار  
دعوت کرد و سعی کرد زمینه مساعدی برای مذاکره بین  
دولت ایران و شرکت نفت فراهم کند. دکتر معدق اصل  
توسل به مذاکره را با دوش شرط پذیرفت یکی اینکه  
مذاکره محدود به طرز اجرای قانون باشد و دیگری اینکه  
دولت انگلیس در مذاکره شرکت نکند. چون طرف دولت  
ایران فقط شرکت نفت است.

در تاریخ ۱۰ خرداد رئیس جمهور آمریکا طی بیانی که  
به دکتر معدق فرستاد قویاً توصیه کرده مذاکرات  
دوستانه بین طرفین آغاز شود. روز ۱۲ خرداد نماینده  
شرکت در تهران به دولت اطلاع داد که شرکت مسغول تهیه  
نقشه‌های حل اختلاف است و به زودی نمایندگان  
برای مذاکره با دولت به تهران خواهد فرستاد.

۲۰ خرداد: ورود مبعوثان بازرسی جکسون Basil Jackson  
از طرف شرکت نفت انگلیس برای مذاکره با دولت  
در تهران.

۳۱ خرداد: دولت انگلستان از دیوان دادگستری  
بین المللی درخواست صدور قرار داد مالتا میسب  
شود به این منظور که به دولت ایران تکلیف شود  
که در انتظار صدور قرار داد دیوان هیچگونه تغییر در وضع  
موجود قبل از منتهی شدن نفت ندهد.

۴ تیر: وزیر امور خارجه انگلیس دربارلمان اظهار  
کرد که همه‌طور که در تاریخ ۳ خرداد اعلام شده بود  
دولت انگلستان کلیه وسایل نظامی لازم را مجهز  
کرده است تا در صورتی که دولت ایران از عهده حفظ  
جان و مال اتباع انگلیس بر نیاید خود به انجام این  
منظور عمل کند.

۱۳ تیر: دیوان دادگستری بین المللی قرار موقت  
داویرتویسی که طرفین اختلاف باید تا زمان اعلام  
تصمیم نهایی دیوان رعایت کنند صادر نمود.

۱۷ تیر: رئیس جمهور آمریکا "ترومن" طی نامه‌ای  
خطاب به دکتر معدق توصیه کرده دولت ایران به قرار  
موقت دیوان ترتیباً شروع دهد. ولی ضمناً اشاره کرد  
که حاضر است یک شصت درصد از آمریکا یعنی  
اورل هرمن Averell Harriman را برای  
مشاوره با دکتر معدق در موضوع اختلاف به تهران  
اعزام نماید.

۲۲ تیر: ورود هرمن به تهران و طرح پیشنهاد و طی  
چند جلسه با وزیر امور خارجه دولت با نمایندگان از طرف  
دولت انگلیس به وکالت از طرف شرکت نفت مذاکره کند.  
۴ مرداد: عزیمت هرمن به اتفاق سفیر انگلیس به  
لندن برای مذاکره با دولت انگلیس در زمینه گفتگوی  
تهران.

۱۱ مرداد: کاردار سفارت انگلیس طی نامه‌ای خطاب  
به وزارت امور خارجه ایران اظهار نمود که دولت  
انگلیس هیئتی به ریاست یک نفروزیبرکا بمنه برای  
مذاکره با دولت ایران به وکالت از طرف شرکت نفت  
اعزام خواهد نمود. این نامه با جمله مهمی به این  
مضمون ختم می شد که دولت انگلیس از طرف خود از طرف  
شرکت نفت اصل ملی شدن نفت را در ایران قبول می کند.  
در همین تاریخ را دیولندن خبر داد که ۱۹ شرکت بزرگ  
نفت با موافقت دولت آمریکا تصمیمی گرفته اند که در  
نتیجه آن کمبود ناشی از قطع جریان نفت ایران  
بزرگی جبران خواهد شد.

۱۲ مرداد: ورود مبعوثان استوکس Stokes  
وزیر امور خارجه انگلیس به تهران - شروع مذاکرات  
استوکس با دولت در تاریخ ۱۴ مرداد.  
روز ۲۱ مرداد استوکس روز و اول شهریور هرمن ایران  
را ترک کردند.

۱۸ شهریور: دولت انگلیس تسهیلاتی را که برای تسعیر  
لیبرهای ایران به دلار و حواله نمودن پول از طرف  
ایران به کشورهای گروه استرلینگ قائل شده بود قطع  
کرد.

۵ مهر: نکات دولت انگلیس به شورای امنیت سازمان  
ملل علیه تصمیم ایران به اخراج کارمندان انگلیسی  
علی رقم قرار موقت دیوان دادگستری بین المللی  
مورخ ۱۳ تیر.

همان تاریخ: دولت انگلیس اعلامیه‌ای به این  
مضمون صادر کرد که نفت ایران متعلق به شرکت نفت  
انگلیس است و هرگونه معامله‌ای که دولت ایران برای  
فروش نفت انجام دهد عمل غاصبانه‌ای خواهد بود و  
دولت انگلیس از آن جلوگیری خواهد کرد.

۲۶ مهر: تصمیم شورای امنیت سازمان ملل  
شکایت دولت انگلیس در انتظار تصمیم دیوان دادگستری  
بین المللی دربارها ملاحظیت یا عدم ملاحظیت ارگان های  
سازمان ملل در مورد رسیدگی به شکایت دولت انگلیس  
در اوایل آن هنگامی که دکتر معدق درواشنگتن با  
دولت آمریکا مذاکره می کرد در محافل دولتی آمریکا  
این فکر مطرح شده بود که ممکن است با تک جبهه‌ای برای  
حل اختلاف نفت نقش در ایران برعهده بگیرد. دکتر  
مصدق با این فکر صولاً موافقت داشت.

۱۸ آبان: ملاقات قائم مقام رئیس بانک با دکتر  
مصدق درواشنگتن.

۲۶ آبان: وزیر امور خارجه انگلیس دربارلمان  
اظهار کرد دولت انگلیس حاضر به تجدید مذاکره با  
دولت ایران بر سه اساس می باشد: ۱- آما ده ۲- سیسات  
به دست یک مؤسسه خارجی ۳- تقسیم درآمد فروش نفت  
بین طرفین. تعیین میزان غرامت.  
۱۰ دی: ورود دو نفر از طرف بانک جهانی به تهران  
به منظور کسب اطلاع در خصوص وضع تاسیسات نفتی.

بقیه در صفحه ۱۱

# فواد روحانی

## ۲۲

### مصدق و نهضت ملی ایران در کشاکش چپ و راست نوطه‌های شرکت سابق نفت

نخست وزیر (علا) اظهار کرد که شرکت نفت انگلیس طبق  
قرار داد ۱۳۱۲ موضوع اختلاف با ایران را پس از مدتی  
ارجاع خواهد کرد ولی نخست وزیر در جواب اظهار نمود  
که چون موضوع طرز اجرای قانون در کمیسیون مخصوص  
نفت مطرح است دولت منتظر نتیجه مطالعات کمیسیون  
خواهد بود.

۱۴ فروردین ۱۳۴۵: وزیر امور خارجه انگلیس در  
پارلمان اظهار کرد که دربارها وضعی که در ایران پیش  
آمده است دولت کوشش خواهد کرد سیاست مشترک  
مبتنی بر سه اصل زیر با دولت آمریکا برقرار کند.  
۱- اعاده ثبات وضع ایران و جلوگیری از کاهش نفوذ  
غرب آما ده ۲- استفاده انگلیس از نفت ایران -  
حفظ منافع اقتصادی انگلستان از مخاطر ناشی از  
ملی شدن نفت ایران.

۱۷ فروردین: وزارت امور خارجه انگلیس هیئتی را  
مأمور عزیمت به واشنگتن نمود تا دربارها اتخاذ روش  
واحد نسبت به اقدام دولت ایران با وزارت امور خارجه  
آمریکا مذاکره کند. شرح این مأموریت قبلاً گفته  
شده است.

۵ اردیبهشت: سفیر انگلیس طی یادداشتی خطاب  
به نخست وزیر پیشنهادی برای حل اختلاف (ظاهراً  
نتیجه مذاکرات دولتین انگلیس و آمریکا) به شرح زیر  
عنوان کرد: انتقال اموال شرکت سابق به یک شرکت  
جدیداً لتاسیس انگلیسی که مدیران ایرانی نیز به  
آن منصوب شوند در مدت شرکت بین طرفین بالمناصفه  
تقسیم شود (رژیم پنجاه پنجاه) و گذاری عملیات  
بخش داخلی به یک شرکت ملی ایرانی. انتقال  
ترتیبات سریع برای گماشتن کارکنان ایرانی  
به جای اتباع خارجی، این پیشنهاد مورد توجه واقع  
نشد و مقارن تسلیم آن به دولت کمیسیون نفت طرح  
قانونی اجرای اصل ملی شدن را تصویب کرد.

۷ اردیبهشت: سفیر انگلیس نامه‌ای مبنی بر اعتراض  
به تصمیم کمیسیون نفت و تقاضای آما ده مذاکرات به  
نخست وزیر نوشت ولی دولت علا استفاده کرده بود و  
ترتیب اثری به نامه مبرور داده نشد.  
۱۰ اردیبهشت: بر طبق قرار داد ۱۳۱۲ در این تاریخ  
شرکت نفت انگلیس متعهد بود مبلغ دو میلیون لیبر  
از باب اقسا حق الامتیا به دولت ایران بپردازد  
اما زپرداخت این مبلغ خودداری کرد.

۱۷ اردیبهشت: شرکت سابق ضمن اعتراض به مضمون  
قانون ملی شدن نفت به دولت اظهار کرد که موضوع  
اختلاف را بر طبق قرار داد ۱۳۱۲ به داور ارجاع  
نموده است و تقاضا کرد که دولت نیز داور خود را معرفی  
کند.

۲۴ اردیبهشت: سفیر انگلیس رسماً به دولت اعلام  
کرد که دولت انگلستان عمل ایران را در مورد شرکت  
نفت یک اقدام غیردوستانه نسبت بخود تلقی می کند.  
۲۸ اردیبهشت: سفیر انگلیس و آمریکا هر یک  
یادداشتی از طرف دولت خود به وزیر امور خارجه تسلیم  
نمودند. مضمون یادداشت سفیر انگلیس عبارت بود از  
اعتراض به الای یک جانبه امتیا زنا مه. اعلام  
این مطلب که دور انگلیس از شرکت نفت به عنوان  
شبهه انگلستان حمایت خواهد کرد، و پیشنهادی به  
این مضمون که دولت انگلستان هیئتی برای مذاکره  
به ایران بفرستد و سؤال دربارها اینکه آیا دولت  
حاضر به مذاکره با چنین هیئت خواهد بود یا نه.  
مضمون یادداشت سفیر آمریکا تائید این نکته بود که  
از لحاظ منافع ایران از جمله جلب سرمایه خارجی و  
ایجاد اعتبار برای کشور مصلحت در این است که  
اختلاف طرفین از طریق دوستانه حل شود.

۳ خرداد: چون دولت به تقاضای شرکت دربارها معرفی  
داویرتویسی بین المللی تقاضای تعیین داور نمود  
نمود.

همان تاریخ: دولت انگلیس اعلام نمود که به علت  
وقع بحرانی که در ایران پیش آمده است مشغول انجام  
ترتیباتی برای اعزام قوای نظامی می باشد (بریکاد  
چتر باز به قبرس و رزمنا و هائو به آب‌های مجاور ساحل  
ایران).

۴ خرداد: دولت انگلستان از عمل دولت ایران به  
دیوان دادگستری بین المللی شکایت کرد.  
۵ خرداد: رئیس هیئت مدیره شرکت طی نامه‌ای به

۲۹ خرداد: دکتر معدق طی بیانی خطاب به ملت  
اعلام نمود که پیشنهادهای مبعوثان چکس منایرت با  
اصل ملی شدن نفت قابل قبول نبوده و دولت انگلیس  
خود را "سازمان را اجرا و صنعت نفت ایران را از قبیل  
اسارت پنجاه ساله از دوا خواهد کرد".

۳۰ خرداد: آما ده اطلاعات و انتشارات شرکت سابق  
در تهران منحل شد.  
اول تیر: آما ده مرکزی پخش و فروش نفت در داخل  
کشور در تهران و همه ملحقات آن مانند نیانفت به  
تصرف دولت درآمد. تاسیسات پالایش نفت در کرمانشاه  
و میدان نفت شاه زما موران شرکت سابق تحویل گرفته  
شد.

۲ تیر: دولت به رئیس آما ده پخش شرکت سابق دستور  
داد که درآمد فروش نفت در داخل کشور را به بانک ملی به  
حساب شرکت ملی نفت ایران بر داخت و هزینه عملیات  
جاری را از آن حساب برداشت کند.  
۲ تیر: نماینده شرکت سابق در تهران (ریچارد  
سدان Richard Seddon) محل کار خود  
را به منزل شخصی یعنی محلی که از ابتدای تاسیس  
نمایندگی شرکت نفت انگلیس و ایران نماینده شرکت  
در آن اقامت داشت منتقل نمود.

در تاریخ ۶ تیر هیئت مدیره موقت اعضای انگلیسی  
دفتر مدیریت کل شرکت سابق در خرمشهر را مجبور به ترک  
محل کار نمود.  
در تاریخ ۷ تیر اریک دریک (Eric Drake)  
مدیر کل شرکت سابق مقیم آبادان که در تاریخ ۳۰ خرداد  
۳ تیر هیئت مدیره موقت به اعلام کرده بود که اگر  
تا تاریخ ۶ تیر آما دهگی خود را به ادامه خدمت تحت  
نظارت هیئت اعلام نکند مستعفی شناخته خواهد شد  
ایران را ترک کرد.

۸ تیر: آما موران داسرا و شهرپاتی به دستور دولت  
و ادمنزل نماینده شرکت سابق در تهران شده و آن را  
تصرف و اوراق و پرونده‌های را که بعداً زتنییرمجلس  
کاراویه آنجا آورده شده بود ضبط کردند. ایسن اوراق  
بعداً به عنوان "اسناد خانه بدان" مورد کشف گوی  
زیاد قرار گرفت و کمیسیون مخصوص آما مورطالعه  
آن ها گردید تا چنانچه بین آن ها اسنادی حاکی از  
وقوع جرم کشف شود موضوع برای تحقیق قانونی به  
مراجع صالحه حاله شود اما بعداً تمام کار کمیسیون  
مزیور معاون وزارت دادگستری اظهار کرد که بنا به  
تفحص دادستان کل بین اسناد مورد کشف مدرک جرم  
علیه هیچ کس کشف نشده و محتویات پرونده‌ها منحصراً  
مکاتباتی بین تهران و لندن در موضوع قرار داد الحاقی  
بوده است (۱۱) در حال در تاریخ ۸ تیر در دفتر  
نمایندگی رسمی شرکت سابق در تهران برچیده شد در  
تاریخ ۱۰ تیر دکتر معدق در جواب شکایت نماینده  
شرکت از جریان تصرف و مهروموم کردن منزل شخصی  
قانونی بودن این عمل را تا بیادواظهار کرد. بعداً آن  
می تواند برای خاتمه داری به کارهایی که در پیش  
است در محل دیگر اقامت کند. در طی همین ملاقات  
دکتر معدق موضوع کارمندان خارجی شرکت سابق را به  
میان آورد. قسمت عمده این کارمندان با اجبرای  
برنامه تخلیه آبادان که شرکت سابق در تاریخ ۷  
خرداد تنظیم نموده بود تا آخر خرداد ایران را ترک  
کرده بودند دکتر معدق به نماینده شرکت معسرا  
پیشنهاد کرده که شرکت سابق آما ده کارمندان خارجی  
(۱۷۵۰ نفر از ۴۵۰۰ نفر) را و آما ده آما ده خدمت  
کند تا اگر سالی بین طرفین حاصل شود وقفه‌های  
در جریان بهره برداری از منابع رخ ندهد ولی چون  
معاملات فروش به خارج متوقف شده بود در واسط تیرماه  
پالایشگاه آبادان فقط به میزان یک ششم ظرفیت عمل  
می کرد و روز ۸ مرداد ۱۳۳۰ آخرین واحد پالایشگاه  
تعطیل شد و شماره کارمندان انگلیسی به ۶۵۰ نفر  
تقلیل یافت.

در زمان ورود مبعوثان هرمن و استوکس به ایران  
که شرکت سابق هنوز امیدوار بود بتواند مجدداً سهمی  
در آما ده عملیات نفت بدست آورد استوکس در تاریخ  
۱۵ مرداد ضمن بازدید وضع تاسیسات نفت در آبادان  
با نمایندگان کارمندان انگلیس ملاقات و مذاکره  
کرد و آن ها پرسید آما ده به ادامه خدمت در ایران  
هستند یا نه آن ها اظهار کردند که فقط در صورتی حاضر  
به آما ده خدمت خواهد نمودند که مدیر کل دستگاه یک فرد  
انگلیسی باشد. بدیهی است که این شرط برای ایران  
قابل قبول نبود. در اوایل شهریور معلوم گردید که  
وساطت هرمن و مبعوثان استوکس مواجبه با شکست شده  
و بنا بر این دولت تصمیم به اخراج بقیه کارمندان  
انگلیسی که هنوز رجوع بایستی بودند گرفت. در تاریخ  
اول مهر هیئت مدیره موقت به کارمندان مزیور  
اظهار کرد که چون حاضر به قبول خدمت در شرکت ملی نفت  
نشده اند باید در ظرف یک هفته از ۴ مهر ایران را  
ترک کنند. به این ترتیب کارمندان انگلیسی که  
تعدادشان به ۳۵۰ نفر کاهش یافته بود در تاریخ ۱۰  
۱۱ مهر از ایران خارج شدند و هیئت مدیره موقت  
طی تلگراف تبریکی که به دکتر معدق مخابره کرد  
اظهار نمود آخرین افراد انگلیسی "پس از شش ماه و  
۱۲ روز و سه ساعت و دقیقه" خاک ایران را ترک  
کردند. روز ۱۳ مهر دکتر معدق ضمن سخنرانی در مجلس  
سنا پان یافتن اجرای قانون ملی شدن نفت را  
اعلام نمود.

در تاریخ ۲۲ اسفند ۱۳۴۹ سفیر انگلیس طی نامه‌ای به

در تاریخ ۲۲ اسفند ۱۳۴۹ سفیر انگلیس طی نامه‌ای به

در تاریخ ۲۲ اسفند ۱۳۴۹ سفیر انگلیس طی نامه‌ای به

در تاریخ ۲۲ اسفند ۱۳۴۹ سفیر انگلیس طی نامه‌ای به

در تاریخ ۲۲ اسفند ۱۳۴۹ سفیر انگلیس طی نامه‌ای به

در تاریخ ۲۲ اسفند ۱۳۴۹ سفیر انگلیس طی نامه‌ای به

در تاریخ ۲۲ اسفند ۱۳۴۹ سفیر انگلیس طی نامه‌ای به

در تاریخ ۲۲ اسفند ۱۳۴۹ سفیر انگلیس طی نامه‌ای به

در تاریخ ۲۲ اسفند ۱۳۴۹ سفیر انگلیس طی نامه‌ای به

در تاریخ ۲۲ اسفند ۱۳۴۹ سفیر انگلیس طی نامه‌ای به

### واکنش شرکت سابق

### اهدای مهندس بازرگان از تاسیسی حزب جدید

## جمهوری کفش و کلاه

مدت ها پیش از آن که اعلامیه‌ی تاسیسی "جمعیت دفاع از آزادی و حاکمیت ملت ایران" انتشار یابد، شایع بوده که آقای مهندس مهدی بازرگان وطنی چندی از همگامان او به دیدار آیت الله خمینی رفته اند و در باره‌ی تاسیسی یک حزب جدید با او صلاح جوئی و مصلحت خواهی کرده اند. شایع بوده که آیت الله خمینی فکرتا سبب چنین جزئی را با چنان شخصاتی بسندیده و آن را منافی با "موازین اسلامی" نیافته است. البته معنی آن اینست که آن را مخالف هواها و هدف های خود نیافته است. همچنان که در بخشی از اعلامیه گفته شده و چنانچه ممالک و مشکلات از یکسو و بی تفاوتی مردم نسبت به آینده از سوی دیگر، آقای مهندس بازرگان و یارانش را به تاسیسی یک حزب جدید را تکلیف کرده است.

درواقع مدت ها است که نام "نهضت آزادی" در گوش مردم شنیده نا خوشایندی یافته است. مردم با این اسم بخاطر ناخوشی آمد که با طناب پیوسته‌ی آقای مهندس بازرگان به چاه رفته بودند. مردم اخیر نسبت به سلوک و سخنان آقای مهندس بازرگان می شده و در گرونی اوضاع و احوال باعث چنین تمیمی بوده است. از قضا آیت الله خمینی نیز گمانی از مشایخ داشته است. روگردان شدن مردم از جمهوری اسلامی چیزی نیست که بتوان آن را در پناه دروغ های

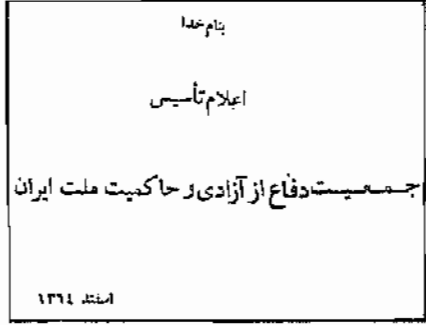
## بیامدهای مرگ آیت الله شریعتمداری

بقیه از صفحه ۱

چهل و هشت ساعت پیش از مرگ حضرت آیت الله که مرگ خودشان را تشخیص داده بودند، حجت الاسلام حاج آقا مهدی حاشری، برادر آیت الله مرحوم حاشری (یکی از مخالفان سرسخت خمینی) را که برای مرگ برادر خود از انگلیس به ایران آمده بود، به پایلیس خواستند. آیت الله حاشری آقا مهدی حاشری عذرخواستند که نتوانستند در مرگ برادرشان به ایشان تسلیت بگویند و این دیدار را هم بهانه برای تسلیت قرار داده اند و هم خواسته اند و ما بای خود را در مورده تفتین خودشان شفاها " به اطلاع او برسانند، چون به پیش بینی خودشان تا چهل و هشت ساعت دیگر زنده نخواهند بود. و ما بای شفاهی آیت الله چنین بوده که در وهله‌ی اول ایشان را در حضرت معومه دفن کنند، و اگر شش در محوطه خانه شان به خاک بسپارند، و اگر این هم میسر نبود، چرا که بشود به طور امانی ایشان را بگذارند، چون آیندگان ما در همانجا که وصیت کرده ام دفن خواهند کرد.

### گروه تبریز شهادت امام موسی کاظم

شکای که حال آیت الله رویه و خاصیت گذاشت، رژیم خمینی که مرگ آیت الله را زمینه‌ی مناسب برای بروز ناخوشی و مخالفت می دید، تعدادی شکاری از پاسداران تعلیم دیده را به تبریز فرستاد تا با هرگونه وقایع احتمالی به شدت مقابله کنند. پس از مرگ آیت الله طی درگیریهایی که بین مردم و پاسداران روی داد دست کم سه تن کشته و تعداد زیادی زخمی شدند. پیروان آیت الله اجازه نیافتند برای ایشان مجالس ترحیم برپا کنند. اما روز سوم مسرک آیت الله که مصاف با شهادت امام موسی کاظم بود، انگیزه و زمینه‌ی بدست مردم آذربایجان را انداخته های خود



داده و خمینی امیدوار است که در شرایط بحرانی که در پیش است بتواند نقش را به‌جا و محول کند.

آقای مهندس بازرگان چند روز پیش از اعلام تاسیسی حزب تازه، طی انتشار بیانیه‌ی ازمقانات جمهوری اسلامی، به ویژه از شامی رفسنجانی نام برده و خمینی در شورای عالی دفاع، تشکر کرده بود که موضع شان را نسبت به جنگ تعدیل کرده اند و تصمیم گرفته اند که با صلح و سازش امنیت و آرامش را دوباره به منطقه برگردانند. ظاهرا "مهندس بازرگان" با جعل چنین تعدیلی در برداشت مقامات جمهوری اسلامی نسبت به جنگ تعدیل اعلام تاسیسی حزب جدید خود را توجیه کند و موثقیست را برای تاسیسی آن مناسب اعلام دارد. اما عکس العمل تند خمینی که به صورت جهاد اعلام شده‌ی در خطابه‌ی آغازین روز رخ نمود، آب یاقی روی دست مهندس بازرگان، هنگامی که اعلامیه‌ی تاسیسی حزب جدید مهندس بازرگان انتشار یافت مردم صحت شایعات را دربار فتند و به‌خاطر وضع خمینی آگاه تر شدند. اعلامیه‌ی آقای بازرگان وقتی به دست بررسی نبوده در واقع چیزی نسبت جز تبدیل "جمهوری اسلامی نظلین و عبا" به "جمهوری اسلامی کفش و کلاه". این اعلامیه را بجز مهندس بازرگان ۲۱ تن دیگر نیز به عنوان "شورای مرکزی جمعیت دفاع از آزادی و حاکمیت ملت ایران" امضاء کرده اند. در میان آن ها نام های حاج محمودمانیان و دکتر بزدی و بدالله سعابی دیده می شود.

رادارها هر برای تعزیت امام شهید، اما در واقع بخاطر مرگ شهادت گونگی مرجع مذهبی شان بریزند. در سرا آذربایجان، بخلاف سایر ایات گذشته، رونگی اما موسی کاظم برپا گشت. شهادت امام موسی کاظم که همیشه با تذکری مختصر و کم رونق برگزار می شد، امسال از برکت مرگ مظلومانای یکی از نوادگان شش رونی کم سابقه یافت.

مردم آذربایجان با شنیدن خبر مرگ رهبر مذهبی شان که شهادت تا با هر وسیله‌ی که می توانستند خودشان را بر سرگورشان برسانند، بسیاری از وساطت نقلیه نتوانستند از طقه‌ی تنگ پاسداران راهی به بیرون پیدا کنند. پاسداران که جرات نداشتند در داخل شهردست به اقدامی بزنند، در راه های خروجی شهر کمین شسته بودند و مسافران را با سار می گرداندند. تعدادی از زده‌ها تویوس که از تبریز تا زنجان نیز آمده بود، عاقبت در این شهر از حرکت باز داشتند و شومای سورشینان آن که گفته میشود تعدادی از آن ها زن بوده اند، همگی به زندان اوین در تهران برده شدند. پنج اتوبوس حامل مزاداران آیت الله شریعتمداری که از مشهد عازم قم بوده اند نیز سر نوشت بهتری از قبلی ها داشتند. مردان مسافران پنج اتوبوس - اما "ویگا به جیبهای جنگ برده شدند تا به مکافات عزاداری برای رهبر مذهبی خود شربت شهادت بنوشند.

همزمان با بالا گرفتن فشار و خشونت پاسداران امنیتی رژیم، اعلامیه‌های نیز در شهر تبریز انتشار یافت. در این اعلامیه‌ها مرگ آیت الله شریعتمداری به گردن حکومت خمینی انداخته شده بود و جمهوری اسلامی به سهل انگاری در مداوای آیت الله و اسباب چینی برای مرگ پیشرویشان متهم شده بود. نویسندگان اعلامیه‌ها که از زبان مردم منتقد به آیت الله شریعتمداری سخن می گفتند مقامات مسئول را تهدید به استقام کرده بودند.

### مراسم هفتمین روز درگذشت

روز هفت مرگ آیت الله در تبریز با خشونت و تیراندازی پاسداران همسراه بود. شدت تیراندازی ها تا جندی بود که

### تظلمیر خمینی

در منشور جمعیت آمده است که: "تقسیم اعظم ممالک و منکلاتی که جمعیوری اسلامی با آن درگیر است، ممالکی نظیر خشونت و اختناق، نابرابری ها، عدم امنیت، ناسامانی های اجتماعی، تشدید سفتگی های اقتصادی و وابستگی های زیانبار را رنجی و خوریزی و ادا می جنگ و ویرانی و نتیجه طبیعی انقلاب نبوده، بلکه مولود انحراف از اهداف اولیه انقلاب، نقض عهدها و تخلفات از اصول مرحله در قانون اساسی و به ویژه بی اعتنائی به حق حاکمیت ملت و محروم نمودن آن از نظارت و دخالت در برنوش خویش است.

جمعیت دفاع از آزادی و حاکمیت ملت ایران برای رهایی کشور از بحران و بازگرداندن حق حاکمیت به مردم، با زده هدف در نظر گرفته است. برخی از هدفهای مهم جمعیت عبارت است از: تلاش در جهت محور گونه استبداد خودکامگی و انحصار طلبی، گوش در جهت حمایت قانونی افراد و باجاء امنیت قضائی برای عموم، تلاش در جهت تاسیسی آزادی بشریات و بطبوعیات و آزادی تشکیل اجتماعات و راهیمائی ها و فعالیت احزاب و جمعیت ها و انجمن های سیاسی و منعی، مبارزه با هرگونه نفیث و تحمیل عقیده و روش و تکلیف و اجبار و هتک حرمت و حیثیت و دستگیری و بازداشت و تبعید غیر قانونی، گوش در تاسیسی حفظ حرمت و حیثیت کشور و ملت ایران در انظار روانی افکار عمومی چنان ...

### نقش مزورانه

قابل یادآوری است که بنا به ادعای نویسندگان منشور، هدف اصلی با زده گانه‌ی جمعیت، بحران اخیر آن ها که مربوط به حفظ حرمت و حیثیت کشور در انظار جهانیان می شود، به تاسیسی در قانون اساسی جمهوری اسلامی منسرد است. گرچه آقای بازرگان و همگامان ایشان مدعی هستند که همین قسان نسبی اساسی نقائص و ناهماهنگی ها می

بقیه در صفحه ۱۱

شهرت پس از مرگ آیت الله به آن دچار شده است از همین جا ریشه می گیرد. گفته می شود که حکومت برای مقابله با این موضعیت تعدادی از مقامات مخالف مذهبی را که دست کم دو تن از آیت الله ها هم در میان شان دیده میشوند دستگیر کرده و بدندان انداخته است. گفته میشود که حتی آیاتی چون کلیای نسی و مرعی نجفی زیر مراقبت کامل قرار

دارند. در این میان موقعیت آیت الله کلیای نسی از همه سوال برانگیزتر است. ایشان که در آخرین بیانیه خود بطور ضمنی موضع ضد جنگ گرفته اند، اکنون موردی اعتنائی مقامات جمهوری اسلامی هستند. آیت الله کلیای نسی مراحتا "گفته است که جنگ را تا آنجا تا باید می کرده است که متجاوزان را در خاک ایران حضور داده است، اما با هجوم به خاک عراق معلوم نیست که موضع آیت الله کلیای نسی نسبت به جنگ تغییر نکرده باشد. جمهوری اسلامی که این روزها بسجی وسیع و بی سابقه را برای یک تهاجم بزرگ تاسیسی می بینند، بیم از آن دارد که از ناحیه آیات عظامی نظیر کلیای نسی مورد سوال قرار گیرد. حیاسیت مسئله بسیار زیاده است، زیرا اگر وجود جنگ تنها جمی مورد سوال تسرار کیرد، طبعاً "شهادت که امری مذهبی و درگرو حقانیت و جنگی است تشدید از جنگ خواهد شد و جمهوری اسلامی یکی از بزرگ ترین حربه های تبلیغی خود را برای کشتادن مردم بدجیبه از دست خواهد داد.

موقعیت دشواری که با مرگ آیت الله شریعتمداری در قم فراهم شده این شهر را به یک شهر بتلاطم و متشنج تبدیل کرده است. در سطوح بالای اخوندی حاکمیت از این است که منتظری، جانشین خمینی را به جاران منتقل کنند. چون در چنین شهر آشفته‌ی همچنان منتظری در خطر خواهد بود و هم با مرگ محتمل خمینی منتظری بتواند به پناهی پیش منسردت را تصاحب کرده باشد. از همه اینها گذشته مرگ آیت الله شریعتمداری نشان داد که آدمی تخمگی مرگ است. وقتش که بیاید این شتر بر دوش خمینی هم خواهد خوابید.

### زبان دری

## مظهر ایستادگی فرهنگی ایرانیان

بنده از صفحه ۱۰

دوش به دوش زبان فارسی ، تا قرن نهم هجری زیست می کرده است ، البته این زبان دیگر آن خط مخصوص پهلوی عصر ساسانی را نداشته و هر کس که می خواسته آن را بنویسد از همین خط و الفبای فارسی استفاده می کرده ، چنان که شاه داعی شیرازی نیز برای "کان ملاح" خود همین کار را کرده است .

\*\*\*

همان گونه که قرن ها پیش از اسلام و نیمه سال بعد از اسلام مردم نواحی غربی ایران به پهلوی سخن می گفتند ، هزاران سال پیش از ظهور اسلام نیز ، مردم بخش های شرقی ایران به زبانی سخن می گفتند که زبان دری نام داشت و امروز آن را علاوه بر دری "فارسی" نیز می خوانند ، اما تا روزی که زبان رسمی ، زبان خواندن و نوشتن ، زبان گفتگو با فرمان روابیان و روحانیان ، پهلوی بود ، زبان دری به صورت زبانی درجه دوم ، زبانی که خط خاصی از خود نداشته است ( همان گونه که امروز هم زبان های مانندیمانی و گیلکی و غیرهم خط خاصی برای خود ندارند ) و مردم تمام نواحی شرقی ایران ، یعنی تمام خراسان

ایران ، تمام افغانستان فعلی و یعنی جمهوری های فعلی شوروی ، تا بخارا و سمرقند و سواحل سیحون و جیحون و مردم بخشی از هندوستان به این زبان دری سخن می گفتند . در آغاز عصر استقرار اسلام نیز وضع بر همین منوال بود ، زبان رسمی تغییر یافته بود . آنگاه دیگر کسی بایست با خدا و با حاکمان کشور به عربی سخن گفت و نه به سانس و کتاب ها را به عربی نوشت ، اما مردم این ناحیه وسیع ( که تمام آن را نیز خراسان و خراسان بزرگ ، به معنی مشرق ، می گفتند ) مثل همیشه به زبان همیشگی خود ، فارسی یا دری تکلم می کردند تا روزی که ...

\*\*\*

بسیار طبیعی بود که نخستین سلسله های مستقل ایرانی در نیمه شرقی ایران تا ساسانیان شوند و با بگینند ، علت اصلی این امر آن بود که مردم این نواحی - خراسان - هم از نظر جغرافیایی در دورترین نقطه به مرکز قدرت خلافت اسلامی می زیستند و سیاه خلیفه برای رسیدن به آنان باید بیابان های هولناک مرکزی ایران را درمی نوردید ، و هم از نظر فرهنگی ، اسلام و زبان عربی کمترین نفوذ را در میان آن ها داشت . در همین خراسان بود که مردم بخارا بدین عذر که زبان ما به تلفظ عربی نمی گردد زیر بار خواندن نماز به عربی نرفتند و نماز را به فارسی خواندند ، همین جا بود که قرآن - کلام خدا - به امربا دشان نامانی ، برای نخستین بار به زبانی غیر از عربی ترجمه شد ، تفسیر طبری را به سانسامانیان به فارسی برگرداندند و طبیعی است که تمام قرآن نیز در جز " این تفسیر آمده بود . نیز در همین جا است که حاکمان عرب مجبور می شدند مردم را به زبان هدیه و " رشوه " و دیبنا رهای طلا به صف نماز جماعت بکشانند و شواهدی بین مسائل در کتاب های تاریخ ثبت

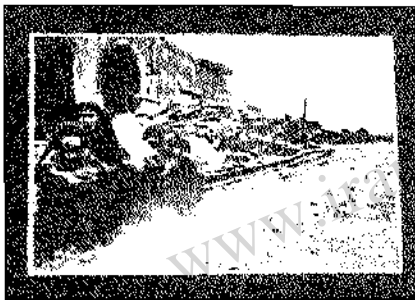
است . باز بسیار طبیعی بود که وقتی حاکمی مانند یعقوب ، یا امیر اسماعیل سامانی در این نواحی به قدرت می رسد ، به زبان همان مردم سخن بگوید ، و احیانا " هیچ زبان دیگری را نداند ( چنان که گویا بحقیقت نمی دانست ) و اگر او را به عربی بستاند درک نکند و بگوید ، به زبانی که من اندر نیایم چرا شعر با یسد گفت ، و سپس نیز بدین است که شا عربی جای سرودن به عربی ، به فارسی شعر بسراید . بدین ترتیب زبان دری ، زبان فرمان روابانی که بعد از اسلام در خراسان به قدرت رسیدند ، رسمیت یافت و دارای شعرا و دب و دیوان و دفتر شد . پیش از این روزگار زبان دری خطی مستقل برای خود نداشت ؛ قدیم ترین نوشته ای که به زبان فارسی امروزی در دست است قطعه پوستی است که بر روی آن نامه ای خصوصی در چند سطر نوشته شده و متعلق به سال ۱۰۰ هجری است . منتهی نویسنده این نامه یهودی نسا ربی زبانی بوده است و - ظاهرا - چون در آن روزگار فارسی خطی از خویش نداشته نویسنده مطلب خود را به زبان فارسی ، اما به خط عبری نوشته است . پس از آن همین الفبای عربی ، با وارد آوردن تغییراتی در آن ، برای نوشتن فارسی ( دری ) اختیار شد . قدیم ترین شعر فارسی تاریخ دار که باقی مانده و به دست ما رسیده متعلق به سال ۲۵۱ و قدیم ترین قطعه نثر متعلق به سال ۳۴۶ هجری قمری است . اما به هیچ روی نمی توان با قطعیت گفت که آن ها قدیم ترین آثار مکتوب پدید آمده بدین زبان هستند . بعد از آن که خط فعلی برای زبان فارسی اختیار شد ، زبان پهلوی نیز ، ناچار ، به همین خط نوشته شد و همین نوشته های پهلوی به خط فارسی است که آن ها را " پارز" گویند .

## جمهوری کفش و کلاه

بقیه از صفحه ۱۰

دارد ، با وجود این چشم در برابر این " نخا شن و نا همنگی ها " می بندند . آقای مهندس بازرگان که یکبار رفا نون اساسی گذشته را که برای حفظ و حمایت آن قسم یاد کرده بود زیر پا گذاشت و هیچ به یاد مسلمانان خود و منافات آن با " حقیقت و ایمان " نبود اکنون سینه برای قانون اساسی چاک می دهد که حتی بنیانگذاران آن هم به آن اعتقاد نداشتند و روزی خود و منافات آن را زیر پا نگذاشته باشند . اگر آیت الله خمینی به قانون اساسی اعتقاد داشت کار به اینجا نمی کشید که مهندس بازرگان برای نجات کشور به تاء سیس حزبی برای تاء مین آزادی های اولیهای انسانی و حاکمیت ملی میادرت ورزد . درست در روز هایی که می رود تا مردم ستمدیده ایران سر نوشت خود را به دست گیرند و از یکی از سیاه ترین و جبارترین حکومت های تاریخ خلاص شوند آقای مهندس بازرگان با احیای جمهوری اسلامی به دفاع از خمینی و رژیم او بی بردارد . واقعیت آنست که خیر تاء سیس حزب جدید از سوی مهندس بازرگان انگکاس جندهانی نداشته است . همزمان انشتنار اعلامیه با ایام عید از یک سو و ممرک آیت الله شریعتمداری که سیاه کاری و ستم رژیم خمینی را با وضوح بیستتری نشان داد از سوی دیگر ، تشکیل حزب جدید را بدون انگکاس گذاشت .

## نمایشگاه عکس



با همکاری ساخه ، سونسی سهمت نما ومت ملی ایران و مرکز ایرانی دفاع از حقوق بشر در ژنو نما یسگا ه عکس و پوستر علیه ادامه جنگ ایران و عراق از تاریخ سوم تا هشتم آوریل در محل دانشگاه ژنو برگزار گردید . در این نما یسگا ه عکس هایی از قربانیان این جنگ و بخصوص کودکان ایرانی به معرض تماشا گذا رده شده بود . گروه کثیری از اهالی ژنو ، دانشجویان و ایرانیان از این نما یسگا ه بازدید کردند .

## ریزش باران سیاه در تهران

در تهران گفته شد علت باران سیاهی که هفته گذشته در تهران و اطراف آن تا کرج بارید ، آتش گرفتن انبار نفتست . بالایشگاه تهران بوده است . در ساعات بعد از روز پنجشنبه آسمان تهران پوشیده از ذرات سیاه دوده آسبیا بود بطوری که روز تهران چون شب ، تیره به نظر می رسید و نفس کشیدن بسر

مردم مشکل شده بود . مردم از یکدیگر دلیل تیرگی غیر عادی هوا را سئوال می کردند .

را دیوورا نه های جمهوری اسلامی درباره این پدیده سکوت کرده بودند و هیچگونه دستور العمل و توصیه ای برای حفاظت مردم در نمی کردند .

ساعتی بعد ، ریزش بارانی به سیاهی مرکب آغاز شد که دانه آن تا کسرج می رسید . این باران تمام شهران ، درخت ها و اتوموبیل ها را سیاه کرد . آنا سیاهی ناشی از این بارندگی به آسانی از روی دست و بدن پاک نمی شود .

ساعتی پس از ریزش باران را دیووی جمهوری اسلامی ، چون نوشتاری پس از برگ سحاب ، اعلام کرد که کودکان و افراد سال خورده و مبتلایان به بیماری های ریوی از خانه ها خارج نشوند .

را دیووی جمهوری اسلامی در گذشته نیز بارها به علت آلودگی هوای تهران ، چنین اعلامیه هایی منتشر می کرد اما این بار آلودگی هوا شگفت آور و غیر عادی بود .

بر اساس گزارش های رسیده ، بارش باران سیاه تا شب ادامه داشت ، سرانجام شب هنگام ، رسانه های گروهی جمهوری اسلامی اعلام کردند که علت این پدیده وجود مواد هیدروکربور در هوا است . اما علت وجود چنین میزان خطرناکی از هیدروکربور را در فضا که از سوختن حاصل می شود توضیح ندادند . در تهران گفته می شود که انفجار انباری ما زوت پالایشگاه تهران باعث این آلودگی غیر عادی بوده است .

بر اساس این گزارش ها ، انفجار این انبار ، آبری از دوده و گوگرد به آسمان فرستاد که بعدا " همراه با قطرات باران به صورت بلای سیاه بر سر مردم نازل شد .

حقیقت به مسئله مداخله خود در کار رفت ایران خاتمه داد .

۱۹ خرداد : دیوان دادگستری بین المللی رسیدگی به شکایت مورخ ۴ خرداد ۱۳۳۰ دولت انگلیس را شروع کرد و در تاریخ ۳۱ تیر ۱۳۳۰ خود را دایر بر عدم صلاحیت ما در نمود .

۲ مرداد : شرکت سابق شرحی در تعقیب تقاضای مورخ ۴ خرداد ۱۳۳۰ خود به دیوان دادگستری بین المللی نوشت و تقاضای تعیین داور منفرده نمود . اما رئیس دیوان در تاریخ ۱۹ مهر ماه با استکاء به رای عدم صلاحیت دیوان تقاضای شرکت را رد کرد .

۵ شهریور : در نتیجه تبادل نظرو مشورت بین دولتین انگلیس و آمریکا در این تاریخ سفیر آمریکا و کساردار سفارت انگلیس بیامی متضمن پیشنهاد دحل اختلاف از طرف ترومن و چرچیل به نخست وزیر تسلیم نمودند . ۲۲ مهر : چون پیشنهاد مشترک ترومن - چرچیل مورد موافقت ایران قرار نگرفته بود وزیر امور خارجه انگلیس طی نامه ای خطاب به دکتر مصدق اصول نظریات خود را راجع به حل اختلاف با ردیکریا آورده و اما قه کرد که شرکت حاضر به تجدید مذاکره با دولت ایران در حدود اصول مزبور می باشد .

۲۲ مهر : وزارت امور خارجه انگلیس اعلامیه ای صادر نمود به این مضمون که تصمیم دیوان دادگستری بین المللی دایر بر عدم صلاحیت رسیدگی به شکایت

انگلستان فقط یک مسئله تشریفات حقوقی بوده و تاء تیری در موقعیت شرکت و دولت انگلیس ندارد .

اول اسفند : تسلیم دومین بیام مشترک دولتین انگلیس و آمریکا به دولت ایران متضمن پیشنهاد جدیدی برای حل اختلاف .

۲ فروردین ۱۳۳۲ : سخنگوی وزارت امور خارجه انگلیس رد دومین بیام مشترک انگلیس و آمریکا از طرف دکتر مصدق را اعلام نمود و با نشر این خبر این فکر در انگلستان و آمریکا قوت گرفت که با پیدا زکوشش در حل اختلاف به وسیله مذاکره با دولت دکتر مصدق مطلقا " صرف نظر نمود .

فروردین تا مرداد ۱۳۳۲ : تنظیم طرح مشترک انگلیس و آمریکا برای برانداختن دولت دکتر مصدق که منجر به کودتای ۲۸ مرداد گردید .

فروردین تا آبان ۱۳۳۲ : پایان یافتن اختلاف نفت به وسیله مذاکره جمع شرکت های بزرگ بین المللی نفت با دولت ایران و منجر شدن آن به عقد سراسر ارداد کنسرسیون که شرکت نفت انگلیس به میزان ۴۰ درصد در آن سهیم گردید .

۱ - در باره جریان رسیدگی به این اسناد توضیحات مختصری در کتاب تاریخ ملی شدن صنعت نفت ایران ( صفحه ۱۶۶ ) داده شده است .

۲۲  
مصدق  
و نهضت ملی ایران  
در کشاکش چپ و راست

بقیه از صفحه ۹

۱۸ دی : اعلامیه مشترک ترومن و چرچیل و در ۲۰ دی اظهارات ایمن در نیویورک دایر بر پشتیبانی دولت انگلیس از وساطت بانگ جها نی .

۳۱ بهمن : ورود هیئت نمایندگی بانگ جها نی به تهران .

۴ فروردین : چون مذاکراتی که بانگ جها نی با دولت ایران به عمل آورد به نتیجه نرسید دولت آمریکا به وسیله اعلامیه ای که اصولا " تهدید آمیز بود دولت ایران را تشویق به قبول وساطت بانگ جها نی نمود . ۱۳ فروردین : بانگ جها نی با صدور اعلامیه ای در



### خبرها

**خبرگزاری فرانسه ۲۷ آوریل :**  
وزارت امور خارجه ایالات متحده روز جمعه نگرانی شدید خود را از تکرار سیران عراقی به دست با سدا را از جمهوری اسلامی اعلام کرد.  
چارلز دمیسن سخنگوی وزارت امور خارجه آمریکا اعلام کرد :  
دولت ایالات متحده مصرا " از جمهوری اسلامی بی‌خواهد دیدار نماید تا زمانی که سیران جنگی در ایران از راهبازگشت کند. وی افزود گزارش‌های رسیده از ایران درباره شکنجه سیران عراقی به وسیله پاسداران انقلاب دلیلی دیگری است برای آنکه هر چه زودتر راه‌حلی از طریق مذاکره برای پایان دادن به جنگ خونین شش ساله جمهوری اسلامی و عراق پیدا شود.

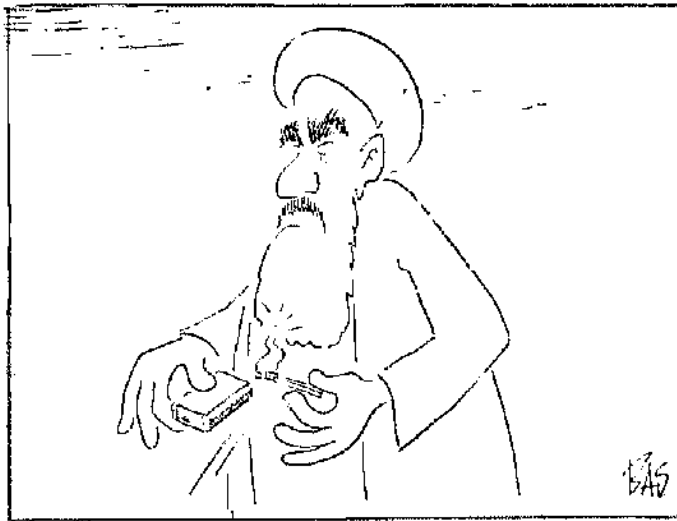
**خبرگزاری فرانسه ۲۷ آوریل :**  
کمیته آمریکا می‌پندارد که در سال گذشته تعداد دینا هندگان در سال گذشته میلادی به ۱۰ میلیون و ۶۹ هزار و هفتصد نفر رسید. این رقم نسبت به سال ماقبل، نزدیک به یک میلیون نفر افزایش یافته است.  
بر اساس گزارش سازمان ملل برای وجوددشوارتر شدن شرایط بدین بنا شده در کشورهای آزاد جهان، تعداد دینا هندگان به ویژه سنا هندگان ایرانی همچنان رویه افزایش است.  
چندتا مل‌آسانی موجب افزایش تعداد دینا هندگان شده است؛ جنگ افغانستان، انقلاب اسلامی در ایران، جنگ سالی در شاخ آفریقا و حملات ویتنام به کامبوج.

**خبرگزاری فرانسه ۲۷ آوریل :**  
آنکس ندرتیک، وزیر امور خارجه پیشین آمریکا در مصاحبه‌ای با هفته‌نامه "فرانسوی" لویون اظهار داشت، که حمله هوایی آمریکا علیه لیبی با بستن مسیر ترافیک نفتی صورت می‌گیرد. وی گفت: وقتی کشوری به توسل به نیروی نظامی تصمیم می‌گیرد، سزاوار است که هزینه قطعی وارد آورد، تردید نیست که ما کار رفتاری را یکسره نکرده‌ایم، تردید نیست که ما تروریسم را هم از تروریسم قذافی، خمینی و حافظ اسد، هنوز سرکوب نکرده‌ایم.

**سیاست جدید انگلستان در مبارزه با تروریسم و همکاری این کشور با آمریکا در حمله به پایگاه‌های تروریستی در لیبی، جمهوری اسلامی و ساخت تکران کرده است.**  
روزنامه‌های جمهوری اسلامی که تاکنون از حمله به انگلستان خودداری می‌کردند در برابر این سیاست تازه دولت انگلستان که متوجه جمهوری اسلامی نیز خواهد بود به بازگویی علیه انگلستان پرداختند. به توجه به سخن روزنامه‌های رژیم می‌راند که این سخن‌گویی تهدیدهایی را که این روزنامه‌ها علیه انگلستان چاپ و منتشر کرده‌اند، نشانه وحشت و نگرانی جمهوری اسلامی از سیاست جدید انگلستان دانست. از جمله اخبار "روزنامه" جمهوری اسلامی ارگان رسمی حزب جمهوری اسلامی است.  
این واقع را توطئه مشترک ریکان و فرانسه می‌داند. خطا به مسلمانیان نوشت: باید در سرا سردنیا همانگونه که باید منافع آمریکا حمله می‌کنند، به منافع انگلیس هم حمله کنند.  
" دولت جمهوری اسلامی ایران نیز باید همدستی تا چربا ریکان و جتایت علیه لیبی را به عنوان یک اقدام خائنانه انگلیسی‌ها علیه امت واحده اسلامی تلقی کند. و در روابط خود با دولت انگلیس تجدیدنظر کند. "

**به نوشته روزنامه کویتی السیاسه،**  
انتشار رشمیری توسط دولت سوریه که در آن، استان خوزستان ایران به عنوان یک سرزمین عربی معرفی شده، روابط تهران و دمشق را تیره کرده است.  
طبق این گزارش، تمبرمذکوریک بر در حکومت گذشته ایران نیز چاپ شده بود ولی در آن زمان، شاه با پرداخت پنج میلیون دلار به حافظ ابدان توزیع تمبرها جلوگیری به عمل آورد. اکنون بدون تردید بخاطر اخذ باج‌های تازه، این تمبرها دوباره از انبوه استخسانه سوریه سربرون آورده است.

## جنون آتش افروزی



عبدالمجید

نزدیک به نیم قرن این قربانیان بی‌گناه یک دیوانگی بزرگ، بدون دست، بدون پا، بدون چشم یا منسل با رماندگان بمباران اتمی هیروشیما و ناکاراکی با اندام در هم بیجوده و زخم‌های علاج‌ناپذیر جسمی و روحی زندگی کرده‌اند و این‌ها فرزندان معلول متولد شده است و فرزندان فرزندان آن‌ها نیز معلول خواهند بود. چرا؟ برای این که چندتن دیوانه در شرایط خاصی به قدرت دست یافتند و آن قدرت را در راه تخریب جهان بکار گرفتند.

مگر چنگ دوم جهانی چگونه شروع شد؟ عینا " همینطور که در یک شرایط بحرانی هیترودارودستا و آرتویدان قدرت بالا رفتند و پیوسته تکرار کردند همان سیاست که حکومت را در آلمان به دست آورده‌اند میبناوندند دنیا را تماما حاکم کنند.

هیترودرنجک اول سرچوخته بود. سکست آلمان و احتمالاً اشرا توری اتریش بر احساسات تعصب آریز وی عقیقا اثر گذاشت. بعد از جنگ منوجه شدیسیاری دیگر از تریبی‌ها و آلمانی‌ها مثل او از تراد دور سای و بلج تخفیر آمیزی که بر آن‌ها تحمیل شده بود رنج می‌برد. از طرف دیگر در حالی که آلمان دچار بحران سیاسی و اقتصادی بود کمونیستها و یهودیان هر کدام به نوعی از بحران بهره‌گیری می‌کردند و این هم احساسات ضد کمونیستی و ضد یهودی را در مردم پرورش می‌داد.

**خبرگزاری فرانسه ۳۰ آوریل :**  
سخنگوی ارتش عراق شب گذشته اعلام کرد که هواپیماهای عراقی ساعت ۶ و ۲۵ دقیقه بعد از ظهر در روز شنبه ۲۸ آوریل در مسیر راهبازگشت عراقی این حمله را "ناپوشیده" توصیف کرد و افزود: کلیه هواپیماهای عراقی سالم به پایگاه‌های خود بازگشتند.

**خبرگزاری فرانسه می‌افزاید:**  
ناظران خاطرنشان می‌کنند که یک پایگاه هلیکوپتر در گنا رفرو دگا که تاکنون وجود ندارد.

اروی دیگر جمهوری اسلامی در سبب اعلام کرد در جریان نبردهایی که دو هفته قبل در سه محور آغاز شد و عملیات "یا مهدی" نام گرفت نیروهای جمهوری اسلامی چندین کیلومتر در محورها و به پیشروی کرده‌اند و موضع عراقی را در این محورها اشغال در آوردند. در این عملیات به گفته جمهوری اسلامی بیش از ۴۶۰۰ سرباز عراقی کشته و زخمی شدند.

**بیانیه نظامی جمهوری اسلامی می‌افزاید:**  
روز گذشته دیروز دوشکری عراقی در منطقه‌ها و سرنگون شدند. عراق نیز شب گذشته اعلام کرد که واحدهای سیاه هفتم عراق، حمله نیروهای جمهوری اسلامی را در منطقه‌ها و خنثی کردند و تلفات سنگینی بر آن‌ها وارد کردند.

هیترودرنجک و هوش و فرصت طلبی بود. به فرات تشخیص داد که آریز عواقل می‌توان در جهت تحریک و بسیج انبوهی از مردم استفاده کرد. گروه کوچکی که هیترودرنجک هم آورد مورد حمایت است و سرمایه‌داران و صاحبان صنایع قرار گرفت و آن را از لحاظ مالی تغذیه کرده‌اند تا به صورت عامل نشا در جریان درگیریهای حزبی و سندیگانی علیه دست‌چینی‌ها عمل کنند. همین گروه بی‌اهمیت چندسال بعد زمان آمور را در آلمان به دست گرفت. خیلی بعید بنظر نمی‌رسد که آیت‌الله خمینی سرگذشت هیترودرنجک را به خوبی بشناسد و به شدت از آن ناامید نشود. هیترودرنجک با شدت بین اندیشه‌ها و آلمان‌ها و رونی‌های این دولت و وضع عجیب‌شان در حاد شده آفرینی و مبارزطنی نمی‌توانند تا دنی‌ها تد.

خمینی و هیترودرنجک خواسته‌اند تا ایجاد شر در کشورهای همسایه، دست‌روی سرزمین‌های دیگر بکنند و حکومت‌شان را به یک امپراتوری تبدیل کنند. نتیجه این رفته و تحریف قسمت‌ها شده است. از جنگ‌های خونین بود. هیترودرنجک می‌خواست با متحدان ختن آلمان و اتریشی و با زین گرفتن مستحورات از دست رفته و تحریف قسمت‌ها شده است. از جنگ‌های خونین بود. هیترودرنجک می‌خواست با متحدان ختن آلمان و اتریشی و با زین گرفتن مستحورات از دست رفته و تحریف قسمت‌ها شده است.

**به گزارش خبرگزاری رسمی امارات**  
متحد عربی، ساعت ۶ و ۲۵ دقیقه بعد از ظهر در روز شنبه ۲۸ آوریل یک نفتکش ۳۱ هزار توننی عربستان سعودی به نام "الغنا" به هدف دو موشک قرار گرفت. موشک‌ها به محل زندگی سرتشیران کشتی اصابت کرد و آن را به آتش کشید. در اثر اصابت موشک‌ها، ناخدای کشتی و دو تن از سرتشیران آن به قتل رسیدند و ۶ تن دیگر مجروح شدند.

**خبرگزاری فرانسه ۲ مه :**  
به گزارش خبرگزاری رسمی لیبی طی اعلامیه مشترکی که در پایان دیدار هیات جمهوری اسلامی از لیبی منتشر شد، دوریزم ضمن اعلام همبستگی با

سرش باقی ماند بیلیون ها کتبه بود و مدتها هم از معلول و پسرهای ویران و خانمان‌های بر باد رفته و آلمان تقسیم شده.  
آقای خمینی هم ظاهرا " تا تعداد دکندها و زخمی‌ها و معلولان و اسیران و پسرهای ویران شده و خانواده‌های ما تمزده را به این حدود نرسا ندهد دست بردار نیست. تحریک آمریکا به موقع گیری علیه کشور ما و بمباران کردن ایران چه دلیلی غیر از این ممنوا نماند داشته باشد؟

ایران گوشتا گرفتار یک نفرین تاریخی است که هر چند یکبار، هم ناقدر کدامن و امانی حاصل می‌شود و مردم می‌روند رنگ آسایش بخود ببینند. بلایی می‌رسد و منشی دیوانه کف بر لب زنجیر کشیده برای مملکت مسلط می‌شوند و می‌کنند و می‌روند تا با زجه وقت ملت ایران از زیر بار جنین مصیبتی قداراست کنند و زندگی خود را از نو بسازد.

بلای آسمانی شاخ و دم ندارد. چه بلایی ازین بالاتر که عتار اختیار کشور درین دوره از زمان به دست عناصری از قواسم شیخ علی اکبر رفسنجانی بیفتد. افرادی که از حاد قتل شور و ادراک و احساس مسئولیت خمینی سرزده‌اند.

ایستادن در تریبون بنون آرمسد و عربده کشیدن و آمریکا را سکه مبارزه طلبیدن خرجی ندارد. آخوند مستوا شد دهان گناهدار را تا جایی که مقدور است با زکند و نعره بزند و جفا عتی که تفریح هفتگی آن‌ها جمع شدن در صحن دانشگاه و تماشا می‌نمایند موسوم به نماز جمعه است برای " تکبیر " بگویند و لیبی تا وان این دیوانه با زنی را ملت ایران به بیای ویران شدن کشور و بر باد رفتن هستی خود با بدیدار زد. نتیجه این عربده‌جویی‌ها همین است که کمونیسم و مثل ایران با آن وسعت، بسا آن جمعیت، با آن سرود، با آن موقعیت امروز در انزوی کامل سیاسی قرار گرفته است و تنها متحدش درین عالم، قذافی دیوانه است که نه دوستی او تا مع حساب و کتابی است نه دشمنی‌اش. تو خود چون کنی اختراخین را به مدار از فلک چمن تنگ آخری را یک روز آخوند‌ها با همین قشقرق و همین دیوانه با زنی، با تحریک نصیبات مذهبی و به اسم اینکه روس منحوس به مسلحانان ظلم می‌کنند و آن را به حاکم روسیه کشا نند و چونان بلایی بر سر مملکت آوردند که می‌دانم و امروز هوس کرده‌اند که آمریکا را به جنگ بکنند. خدا عاقبت این یکی را بخیر کند.

بگذریم، به آمریکا و روسا هندا ردا دند منتظر عواقب و نتایج جنگ‌های طبیعی تازه‌ای که به همراه اسرائیل علیه اسلام و مسلحانان به راه انداخته‌اند، با شد.

در بیانیه مشترک رژیم‌های خمینی و معمر قذافی آمده است: جمهوری اسلامی و لیبی برای مقابله با این جنگ، یک ملتی را در مسلمان را بسیج خواهند کرد. دامنه این جنگ به لیبی و ایران محدود نخواهد شد، بلکه نمای جهان اسلام را دربرخواهد گرفت.

هیات جمهوری اسلامی که به سرپرستی علی اکبر ولایتی وزیر امور خارجه و محسن رفیق دوست وزیر اسما‌ها سدا ران عازم لیبی شده بود از ۸ تا ۱۰ اردیبهشت، در لیبی بسر برد و با معمر قذافی و عبدالسلام جلوه مرد شماره ۲ لیبی دیدار و گفتگو کرد.

در این بیانیه مشترک، لیبی ضمن محکوم کردن عراق اعلام کرده است که همچنان به موقع اصولی خود در جنگ جمهوری اسلامی و عراق با فشار می‌کند. رژیم‌های قذافی و خمینی در این بیانیه انتی‌ماتی را که در مورد تروریسم بین‌المللی به آن‌ها وارد می‌شود رد کردند. و مانند همیشه ریکان و بعضی از متحدان او را تروریست و جناحیت‌گزار خواندند. در این بیانیه، کاخ سفید واشنگتن، کاخ سیاه و مرکز عملیات تروریستی در جهان خوانده شده است.